

۸۵

تابستان ۱۳۹۹ سال هجدهم

سوق حضور

فصلنامه، خبری، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی
مؤسسه خبریه توانبخشی و نگهداری معلولین شهید فیاض بخش (عبدالله هنری) مشهد

دل من دیر زمانی است که می پندارد
دوستی نیز گلی است
مثل نیلوفر و ناز
ساقه ترد ظریفی دارد
بی گمان سنگدل است آن که رو می دارد
جان این ساقه نازک را
دانسته بیازارد



اسما - ۳ ساله نوگل این خانه / بخش اطفال



در دل پاییز هم می توان جوانه زد

با صد و پنجاه گل این بوستان
با محبت شما سبز می مانند

با شما همچنان قصه مهربانی ادامه دارد...

مشهد، بزرگراه امام علی (ع) - میدان شهید فهمیده به طرف میدان قائم جاده اختصاصی
روابط عمومی ۳۶۶۶۲۹۰ و ۳۶۶۶۶۰۰۰ - ۰۵۱ / تلفن خانه: ۳-۳۶۶۵۷۰۳۲ - ۰۵۱
دفتر مرکزی مشارکت ۳۶۶۶۳۳۶ و ۳۶۵۱۲۱۸۴ - ۰۵۱ / دفتر فرودگاه ۳۳۴۰۰۱۹۲ - ۰۵۱
کارت بانگ ملی: ۰۳۹۱۰۳۹۱۱۹۹۵۱۰۳۷۹۹۱۰۶ / کارت بانگ ملت: ۰۷۹۲۰۸۰۴۳۳۷۷۰۰۰۶۱۰۴۳۳۷۷۰۰۷۹۲۰۸

 fayyazbakhshcharity

 www.fbrc.ir



چرم مشهد

Mashad Leather

برای آنان که به زیبایی می اندیشند

۰۷۱۱-۶۶۶۵۸۳۹	شیراز ۲:	۰۱۲۲-۶۲۴۶۵۷۵	رویان:	۰۵۱۳-۷۶۴۸۵۸۲	پروما:	۰۲۱-۸۸۷۸۴۳۸۱	فروشگاه های تهران ▼
۰۲۸۱-۳۳۲۵۰۰۱	قزوین:	۰۵۴۱-۲۴۲۲۶۴۲-۳	زاهدان:	۰۵۱۳-۸۴۴۲۱۸۹	احمد آباد:	۰۲۱-۸۸۹۰۳۹۵۸	ونک:
۰۲۶-۳۲۲۶۵۷۳۵	کرج:	۰۲۴۱-۳۲۲۹۴۲۳	زنجان:	۰۵۱۳-۸۴۹۱۲۶۴	آلتون:	۰۲۱-۸۸۰۹۷۰۱۸	ولیعصر:
۰۳۴۱-۲۴۴۱۴۸۶	کرمان:	۰۸۴۱-۲۲۴۵۸۱۷	ایلام:	۰۵۱۳-۸۵۵۲۱۹۵	هتل قصرطلایی:	۰۲۱-۶۶۷۱۱۹۷۴	گلستان:
		۰۱۱۲-۵۲۲۶۷۲۴	بابلسر:	۰۵۱۳-۷۱۱۳۹۳۱	الماس شرق:	۰۲۱-۴۴۱۶۷۰۴۶	فردوسی:
	خارج از کشور ▼	۰۵۸۴-۲۲۳۶۴۱۸	بجنورد:	۰۵۱۳-۸۵۵۴۰۲۷	هتل درویشی:	۰۲۱-۸۸۳۱۰۳۸۵	هایپر استار:
+61-390785181	Australia:	۰۱۸۱-۴۲۴۲۴۸۸	بندر انزلی:	۰۵۱۳-۸۴۶۹۵۵۴	ورسیج:	۰۲۱-۲۲۹۵۹۸۲۰	کریم خان:
+387-61149220	Bosnia:	۰۷۶۱-۲۲۵۰۸۲۱	بندر عباس:		فروشگاه مشهد	۰۲۱-۴۴۴۱۸۲۵۵	الماس ایران:
+964-7508440201	Erbil:	۰۴۱۱-۳۳۲۳۲۲۰	تبریز:		فروشگاههای اصفهان ▼	۰۲۱-۲۲۲۲۳۰۵۴	سمرقند:
+60-3211003423	Malaysia:	۰۱۹۱-۲۱۶۴۹۱۶	چالوس:	۰۳۱۱-۶۲۹۰۵۲۸	توحید:	۰۲۱-۸۸۳۷۰۷۹۹	میرداماد:
		۰۱۳۱-۶۶۶۹۶۹۸۵	رشت:	۰۳۱۱-۶۶۷۴۶۶۷	چهارباغ:	۰۲۱-۸۸۶۲۰۳۶۱	میلاد نور:
		۰۱۷۱-۲۳۵۹۱۸۱	گرگان:	۰۳۱۱-۶۵۱۷۸۵۸	سیتی سنتر:	۰۲۱-۲۶۸۵۰۶۵۱	برج میلاد:
		۰۸۱۱-۸۳۱۱۰۲۵	همدان:		سایر شهرستان ها ▼	۰۲۱-۷۷۴۵۴۹۶۱	تجربش:
		۰۷۴۱-۲۲۳۵۹۸۹	یاسوج:	۰۱۲۱-۲۲۲۶۷۰۲	آمل:		هفت حوض:
		۰۳۵۱-۶۲۶۱۳۷۳	یزد:	۰۸۶-۳۲۲۳۶۲۹۲	اراک:		فروشگاه بین المللی امام
		۰۱۵۱-۲۲۷۴۸۹۵	ساری:	۰۴۵۱-۵۵۱۶۸۹۹	اردبیل:		فروشگاه های مشهد ▼
۰۲۱-۲۲۰۱۳۶۰۳	تهران- اداره مرکزی:	۰۲۳۱-۳۲۴۸۴۹۰	سمنان:	۰۶۱۱-۲۲۳۶۸۳۶	اهواز ۱:	۰۵۱۳-۸۵۴۴۴۵۴	رضا:
۰۵۱۳-۸۴۲۶۳۶۳	مشهد - دفتر مرکزی:	۰۷۱۱-۴۶۸۳۳۲۲	شیراز ۱:	۰۶۱۱-۳۳۸۰۷۶۶	اهواز ۲:	۰۵۱۳-۸۵۹۸۱۴۰	دانش:
۰۵۱۲-۲۵۵۳۲۳۲	مشهد - کارخانه:	۰۸۳۱-۷۲۷۳۷۰۳	کرمانشاه:	۰۴۴۱-۳۴۴۷۵۸۲	ارومیه:	۰۵۱۳-۷۶۱۰۲۲۲	سجاد:



یه دوست بامرززه ...

حامی قلبی موسسه فیاض بخش



www.chuckles.ir



info@BehAra.ir



[@chuckles_fans](https://www.instagram.com/chuckles_fans)



[@chuckles_fans](https://www.telegram.com/@chuckles_fans)

پیامبر گرامی اسلام (ص):
به خدا قسم که بر آوردن حاجت مؤمن از روزه
و اعتکاف یک ماه در مسجد بهتر است



شوق حضور

فصلنامه فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، خبری
مؤسسه خیریه توانبخشی و نگهداری معلولین جسمی حرکتی
شهید فیاض بخش (عبد.ا. هنری) مشهد
سه ماهه دوم هجدهمین سال انتشار / هشتاد و پنجمین شماره

برخی از مطالب این شماره

.....
شوق حضور، خیر نامه داخلی
صاحب امتیاز:
مؤسسه خیریه توانبخشی و نگهداری معلولین جسمی حرکتی
شهید فیاض بخش (عبد.ا. هنری) مشهد
شورای سیاست گذاری: هیأت مدیره
مدیر مسئول: یوسف کامیار
سر دبیر: سید محمد مهدی حسینی
مدیر اجرایی و ایده پردازی: سیده حشمت نبوی

.....
همکاران این شماره: محمد بزن آبادی، اردلان تاج الدینی، جعفر تشکری،
حسین حسین زاده، فرزانه شیخ، مهدی عیدیان، علی نصری
عکس: امید استادی، اردلان تاج الدینی، خبرگزاری فارس
حروف چین: زیبا پارسایی نسب
نمونه خوان: مهدی عیدیان
ویراستاری و تصویرگری: روابط عمومی
صفحه آرا و گرافیک: امیر علی ارباب معروف

.....
بسته بندی: به همت نیکو کاران گرانقدر خانواده شیعه زاده
و بستگان محترم.

از نیکو کاران گرانقدر و خوانندگان محترم پوزش می طلبیم که به
خاطر هزینه های سنگین کاغذ و چاپ، شوق حضور مجدداً به
فصلنامه تبدیل گردیده است.

* نیازمند کمک های ارزشمند شما برای استمرار انتشار نشریه
شوق حضور هستیم. خواهشمندیم تصویر فیش واریزی را به شماره
۰۹۰۱۸۰۴۵۸۴۸ در واتساپ ارسال بفرمایید.

* تبلیغات شما در مسیر معرفی برندگان به عنوان حامی معلولین و سهیم
در کار خیر می تواند گره گشای بخشی از مشکلات و هزینه های سنگین
درمان و توانبخشی ۵۵۰ فرزندان این خانه باشد. هماهنگی
۰۵۱۳۶۶۶۰۰۰

- دست نوشته ها و عکس های خود را با موضوع معلولیت،
توانبخشی و خواندنی های جذاب به شماره همراه ۰۹۰۱۸۰۴۵۸۴۸ در واتساپ
ارسال نمایید.

- از اینکه مسئولیت آثارتان را به عهده می گیرید و ویرایش نهایی
را به ما می سپارید صمیمانه سپاسگزاریم.
- مقالات و نوشته های شما نزد ما به یادگاری ماند و
باز گردانده نمی شود.


- درج مقاله ها، دیدگاه ها و آگهی ها در شوق حضور به مثابه
تأیید آن ها نیست. بررسی، تحقیق و اطمینان از درستی آن بر عهده
شما بزرگواران است.


جهت اطلاع خوانندگان محترم و نیکو کاران گرانقدر، نشریه پیش
رو به منظور رعایت اصول خبر نویسی و مطبوعاتی از عدم درج
پیشوند خانم و آقا، قبل از نام افراد پوزش می طلبد.

.....
آسایشگاه از نگاهی نزدیکتر ۴
قرار غم انگیز ۶
سخن مدیر مسئول ۷
یادداشت سردبیر ۸
عرض ارادت از راه دور ۹
داستان زندگی فرزندان این خانه / معلولیتم را به رخ نمی کشد ۱۰
بازیک اندیشان / میراث گرانبهای پدر ۱۲
داستان عاشقی به روایت تصویر ۱۵
از خشت تا بهشت ۱۸
توانبخشی / نوگلان این خانه در روزهای کرونایی ۲۰
بازحمتکشان این خانه / از اسارت تا خدمت در آسایشگاه ۲۴
معرفی کتاب / جهان معلول ساز ۲۶
خبرهای بهشت کوچک فیاض بخش ۲۸
بامدافعان سلامت ۳۲
معلولان خراسان رضوی در گردشگری استان سهمی ندارند! ۳۴
احکام معلولین ۳۶
معلولین در جراید ۳۸
شادی و اندوه خود را به نیکو کاری پیوند بزنید ۴۱
.....

 fayyazbakhshcharity

 www.fbrc.ir

 ۰۵۱۳۶۶۶۰۰۰

 ۰۹۰۱۸۰۴۵۸۴۸

با شما همچنان قصه مهربانی ادامه دارد...

داستان زندگی همه آنهایی که پا به حریم آسایشگاه گذاشته‌اند بخش مشترکی دارد، به نام نوع دوستی.

بیش از پنجاه سال پیش زنده یادان دکتر محمد ارسطوپور، محمد بهادری، دکتر خدیوی، قدس نهری، بلال لشکری و عبدا.. هنری صفحاتی از زندگیشان را به گونه ای نوشتند که امروز نامشان در این خانه ماندگار شده است. قصه از اندیشه در مورد زندگی افرادی سر و سامان شروع شد.

فکر ساماندهی افرادی بی پناه، معلولانی که برای زنده ماندن جز تکیه گری راهی نداشتند و مطرود جامعه بودند، کاری بسیار بزرگ و سنگین بود و جز در پرتو اندیشه‌ای پر بار و گامهایی بلند امکان پذیر نبود. سرانجام اولین تشکل معلولان به همت آن‌ها پدید آمد و هنری که در اثر سانحه رانندگی دچار معلولیت شده بود و با معلولان درد مشترک داشت به پیشنهاد دکتر محمد ارسطوپور مدیریت کار را به عهده گرفت.

روزها و ماه‌ها گذشت، اکنون در فکر یک زندگی خوب برای معلولین بودند. با برنامه‌ریزی ارسطوپور و تلاش وصف‌ناپذیر هنری، زمینی دریافت کردند و آسایشگاهی را با چند خوابگاه و یک بخش کوچک اداری به بهره‌برداری رساندند. اما قبل از مراسم افتتاح در هشتم اردیبهشت هزار و سیصد و پنجاه، عبدا.. هنری دار فانی را وداع گفت و آسایشگاه با نام عبدا.. هنری به بهره برداری رسید.

اولین قدم جهت جمع آوری و سرویس دهی به معلولان سطح شهر در نوانخانه (اردوی کار) توسط شادروان دکتر ارسطوپور و دکتر خدیوی و زنده یاد عبد اله هنری ۱۳۳۸ - ۱۳۴۰

افتتاح آسایشگاه در زمینی به وسعت ۸ هکتار در سال ۱۳۵۰ با ظرفیت ۲۰۰ مددجو. تحویل آسایشگاه به سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۵۹. تشکیل شورای مشارکت‌های مردمی با آسایشگاه معلولین ۱۳۶۷.

. استقرار هیأت امنای غیردولتی و واگذاری امور به شورای مشارکت‌های مردمی به آسایشگاه در شهریور ۱۳۸۰ * شروع به کار کمیته‌های تخصصی: توانبخشی، روابط عمومی و امور فرهنگی، بهداشت و درمان، آموزش، مشارکت‌های مردمی، ازدواج، اشتغال، فنی و ورزشی به عنوان بازوهای مشورتی مدیرعامل و هیأت مدیره.

هیأت مدیره: مهندس حمید مستشاری، مهندس فرامرز یغمایی، حاج محمد رضا حسین زاده ملکی، حاج جواد سقاء رضوی، حاج ابراهیم حمایتکار، یوسف کامیار، امیر عباس مستشاری، سید محمد مهدی حسینی، مهندس علی بهزادیان

مشاور عالی مدیرعامل: مهندس بهروز دانشور

مدیرعامل: یوسف کامیار

* بیش از ۵۳۰ نفر با معلولیت غالباً جسمی و حرکتی

* ۱۲۰۰ مددجوی غیر مقیم با دریافت خدمات روزانه در ماه

* ۳۵۰ پرسنل با مجموعه‌های تابع * پذیرش مددجویان با معرفی نامه از سوی اداره بهزیستی و هماهنگی گروه‌های جامعه هدف بهزیستی خراسان رضوی.

* واحد پرستاری در هر بخش با پرونده ویژه درمانی و پزشکی برای هر مددجو

* پزشک مقیم مرکز و ویزیت مددجویان توسط پزشکان متخصص اورولوژی، پوست، ارتوپدی، داخلی، اعصاب، * کارشناسان بهداشت.

توانبخشی: کاردرمانی، گفتاردرمانی، فیزیوتراپی، مددکاری، روانشناسی، هیدروتراپی، مهد کودک، اتاق بازی و مونتسوری. حضور مددکاری در هر بخش کارگاه‌های توانبخشی: توانمندسازی و مهارت آموزی در رشته‌های خیاطی، معرق، قلم زنی، مونتاز، چرم، کامپیوتر، بافندگی، فرش بافی، شمع سازی، تعمیر موبایل و تولید اسکاچ

ورزش ضامن سلامت معلولین: ورزش صبحگاهی (همگانی) * فعالیت درشش رشته ورزشی * حضور در مسابقات کشوری و بین‌المللی و کسب مدال و مقام‌های ارزنده

* کارگاه فرهنگی در خرداد ۱۳۹۷ با هدف هویت بخشی و ارتقاء فعالیت‌های فرهنگی به صورت رسمی افتتاح گردید. کارگاه‌های فعال: آموزش قرآن، هنرهای نمایشی، هنرهای آوایی، بازی با رنگ، پتینه، عروسک سازی، خوشنویسی، نقاشی، کتابخوانی، دوره‌های فن بیان و میزگردهای فرهنگی، اورپگامی، قصه خوانی، زبان انگلیسی، شاهنامه‌خوانی

* بیست و دو تن از مددجویان کم‌توان، فعال در سوادآموزی

نیروهای افتخاری در قالب گروه یاوران حضرت محمد(ص) به عنوان سرمایه ای ارزشمند با ۴۰۰ یاور فعال

کلینیک دندانپزشکی با حضور صد و بیست دندانپزشک افتخاری و حمایت و پشتیبانی نیکوکاران، علاوه بر پانصد و پنجاه فرزند این خانه در خدمت درمان بیماری دهان و دندان معلولین عزیزاستان، استان های همجوار و حتی معلولین کشورهای همسایه نیز می باشد.

ازدواج: به لطف شما مردم گرانقدر، مددجویان عزیز طی فرایند توانبخشی ازدواج کرده و به خانه بخت می روند و زندگی مستقلی را خارج از مؤسسه آغاز می کنند.

مخارج آسایشگاه در ماه بالغ بر ۳۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه های پیشگیری و مقابله با کرونا، روزانه ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال هشتاد درصد هزینه های این مؤسسه توسط خیرین و نیکوکاران گرانقدر تامین می گردد.

آمار فوق بر اساس مخارج سال ۱۳۹۸ می باشد

توسعه فضای ساختمانی بخش های چهار گانه، ساخت و توسعه کارگاه های اشتغال، مجموعه ورزشی شادروان علی حمیدی، پارک به مساحت تقریبی دو هکتار، سردخانه زیر صفر و بالای صفر، رختشویخانه، آشپزخانه، حمام بهداشتی بخش اطفال، مردان و زنان، کارگاه صنایع سلولزی، کشتارگاه بهداشتی، آرایشگاه بخش مردان، سالن غذاخوری کارکنان و مددجویان، کتابخانه، کلینیک تخصصی دندانپزشکی ویژه معلولان، مجموعه آب درمانی و استخر سرپوشیده ویژه معلولان و...

شروع فاز اول طرح جامع آسایشگاه با چشم انداز خدمات دهی شبانه روزی برای ۱۲۰۰ مددجو و خدمات دهی روزانه به عموم معلولین



چشم دل باز کن که جان بینی
آنچه نادیدنی است آن بینی
۲۴ مهر ماه، روز جهانی نابینایان (عصای سفید) گرامی باد



قرار غم انگیز

علی ناصری

بچه بودیم، چه می دانستیم آوارگی میان خون و عطش چه حالی دارد؟ محرم بازگشت به وطن بود. روستایی زاده بودیم و همه می آمدند تا «یا حسین» شان را در زادگاه شان به سینه بزنند. مثل بزرگترها سیاه می پوشیدیم و چقدر هم برای مان اهمیت داشت! و زنجیرهای کوچک تر داشتیم با حلقه های کمتر، که وقت برخورد به شانه های نحیفمان، درد کمتری داشته باشد. با هیأت های سینه زنی همراه می شدیم و ما همیشه ته صف فرصت فرار و دویدن و شادی در تاریکی کوچه ها را داشتیم اما در نهایت همه کوچه ها به حسینیه می رسیدند، مثل چراغی روشن و امن بود در تاریکی شب، که با بودنش، گم نمی شدیم.

نشستن پای منبر سخت بود چرا که مخاطب پندها، بزرگترها بودند. تاریکی و سروصدای موقع روضه خوانی برایمان ترسناک بود و در آن لحظه دنبال آشنایی می گشتیم که به ستون پاهایش پناه ببریم. اسم بچه های کوچکی را شنیده بودیم که در کربلا شهید شده بودند و ما چه می دانستیم شهادت چیست؟ نخل گردانی و علم گردانی برای ما فرصت دویدن در روستا بود، خون هم در مسیر می دیدیم اما حتما رنگ خون آدم، فرق می کرد، پس ما نمی ترسیدیم. حرص جمع کردن شکلات سر مزار مرده ها را داشتیم و آخر شب هم می نشستیم و غنیمت هایمان را می شمردیم. سرک کشیدن به آشپزخانه هیئت و ایستادن نزدیک دیگ های بزرگ برنج و گوشت با آن دود و بوی خاص، لذت خودش را داشت و بعد پهن شدن سفره ها و دست به دست شدن غذاها. زن و مرد، پیر و جوان و ما بچه ها، فقیر و غنی همه سر سفره امام حسین (ع)، کنار هم می نشستیم و از یک غذا می خوردیم. سال به سال در صف سینه زنان از ته صف، فاصله گرفتیم و فرصت دویدن و شادیمان تمام شد. حالا دیگر، مخاطب پندها ماییم. هر سال دور هم جمع می شویم تا کمی از دل تنگی مان را با امام حسین (ع) قسمت کنیم و دلگرمی ببریم. این قرار غم انگیز هر سال ماست، تا آخر عمر.

زیست نیکو در نکو زیستن دیگران است. امام رضا(ع)

انسان‌ها از دیدگاه اسلام به عنوان یک پیکر واحد می‌باشند، بنابراین باید در ارتباط‌های اجتماعی خود مانند اعضای یک تن عمل کنند. روابط اجتماعی در میان مسلمانان باید به گونه‌ای تنظیم شود که هیچ یکی از اعضای جامعه خود را محروم احساس نکند. به باور عالمان دینی، با معلولیت کرامت انسانی پایین نمی‌آید و نباید به آنانی که یکی از اعضای بدن خود را به دلایل مختلف از دست داده‌اند و یا به طور مادرزاد دچار نقص ظاهری هستند، به چشم دیگری نگاه شود.

در فرهنگ اسلامی احترام به نابینایان، ناشنوایان و معلولین حرکتی و ذهنی تأکید شده است. قرآن و نهج البلاغه دو منبع اصلی در این فرهنگ در موارد مختلف بر توجه به معلولین تأکید کرده‌اند. علاوه بر منابع اصلی دین، سیره عملی بزرگان و رهبران اسلام هم گویای این موضوع مهم می‌باشد. اسلام و بزرگان دین این قشر عزیز را انسان‌هایی شریف و دارای حقوق ویژه می‌شمارند.

حضرت علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر به مالک، به عنوان والی مصر توصیه می‌کند که بخشی از بیت المال را برای حل مشکلات این قشر اختصاص ده و همچنین می‌فرماید: خداوند حقی برای این طبقه معین کرده و مدیریت جامعه باید پاسدار این حق باشد، مبادا سرمستی حکومت، تو را از رسیدگی به آنان باز دارد.

توجه به این قشر جامعه همواره از تأکیدات بزرگان دین بوده است. پیامبر بزرگ اسلام (ص) می‌فرماید: هر که معلولی را در کارهایش کمک کند، خدا در کارش به او کمک دهد و در قیامت فرشته‌هایی را می‌گمارد که او را در گذر از هراس‌ها کمک دهند و از خندق‌های آتش بگذرانند و از صراط، او را سالم به بهشت رسانند. یا در جایی دیگر ولی نعمت‌مان حضرت امام رضا(ع) نیز با گفتن این حدیث که خداوند برای دردمندان و معلولان جایگاه رفیعی در بهشت قرار داده است، حساسیت کمک به معلولین را برای همه یاد آور شده‌اند.

حقوق معلولین یکی از وجوه و بخش‌های حقوقی جامعه است. قرآن و سایر متون اسلامی به حقوق معلولین پرداخته و از کرامت انسانی آنان دفاع کرده‌اند. معلولین بسیاری در جهان اسلام خوش درخشیده‌اند و استعدادهای آنان شکوفا شده است. از عصر رسالت در کنار رسول خدا(ص) محدثان و قاریانی بوده‌اند که به رغم فقدان شنوایی یا بینایی یا توانایی حرکتی، به دلیل داشتن استعداد و هوش خارق‌العاده ایشان، دستورات، مواعظ، توصیه‌ها و روایات پیامبر(ص) را گردآوری کرده و به نسل‌های بعدی انتقال داده‌اند. همچنین در کنار ائمه علیهم السلام، شخصیت‌های معلول نیز حضور قابل توجهی داشته‌اند. معلولین در هر جامعه‌ای حضور دارند و جزیی از آن جامعه می‌باشند. فرد معلول یکی از فرزندان، خواهران، برادران و پدر و مادر یا بستگان افراد در جامعه هستند که دچار نقص جسمانی یا ذهنی شده‌اند به تعبیر ساده تر با توجه به مناسبات خانوادگی به خصوص در بین ما ایرانیان، همه ما به نوعی با پدیده معلولیت روبرو هستیم و یکی از دغدغه‌های ما می‌باشد. امیدواریم همه ما به عنوان یک مسلمان که قرآن و آموزه‌های دینی، سرلوحه امورمان می‌باشد، توجه خاص و عنایت ویژه‌ای به معلولین داشته تا با کاهش مشکلاتشان استعدادهای آنان شکوفا گردد و زندگی مطلوب و حقوق شهروندی که حق آنهاست را به دست آورند.

قوام این مؤسسه به محبت شماست

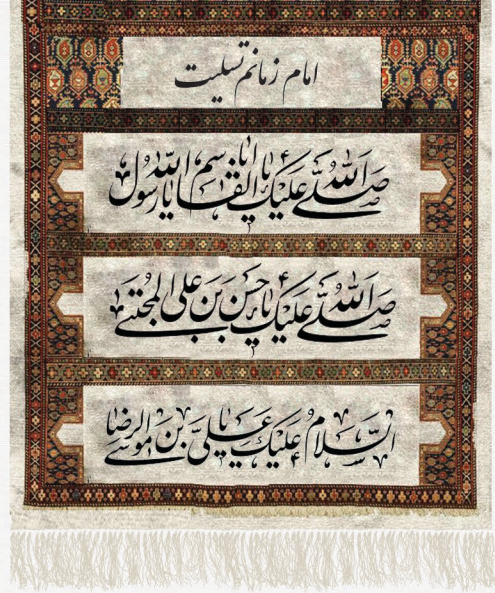
در حال حاضر با توجه به تبلیغات وسیع صورت گرفته، کمتر کسی است که با خطرات کرونا، این ویروس افسار گسیخته و مشکلاتی که از آن ناشی می‌شود، آشنایی نداشته باشد. در بدو ظهور این ویروس منحوس، که وحشت و ترس دچار شدن به این بیماری همه را نگران کرده بود و حتی مسئولین کشوری نمی‌دانستند چه اقداماتی را برای پیشگیری و مقابله با آن می‌بایست انجام دهند، متخصصین بهترین راه را آزمایش توسط کیت‌های آزمایشگاهی می‌دانستند.

در همان لحظات اول، مسئولین محترم آسایشگاه کمیته بحران تشکیل دادند تا برای جلوگیری و آمادگی بیشتر جهت مقابله و کنترل شیوع کرونا بتوانند هماهنگی‌های لازم را با مسئولین بهزیستی و ستاد مبارزه با کرونا به عمل آورند. به همین منظور با همکاری یکی از خیرین گرانقدر که هزینه‌های سنگین طرح غربالگری مددجویان عزیز و همکاران محترم را تقبل کرد، با آزمایشگاهی در تهران قراردادی منعقد شد. پس از انجام این طرح و اعلام نتیجه، با تدابیر لازم از وقوع فاجعه انسانی پیشگیری گردید و خوشبختانه با رعایت دستورالعمل‌ها و پروتکل‌های بهداشتی از جمله قرنطینه بخش‌ها و جلوگیری از انجام هرگونه ملاقات و اجرای مراسم توانستند بحران را به شکل مطلوبی مدیریت نمایند. این در حالی است که بسیاری از مددجویان معمولاً از بیماری‌های مزمن و همچنین بیماری‌های حاد تنفسی رنج می‌بردند و به لطف خدا شاهد ابتلای عزیزانمان نبودیم.

از این جهت برخورد لازم می‌دانم از فرزندان عزیزم (مددجویان آسایشگاه) که با صبوری و بردباری با برنامه‌های اجرایی در خصوص کنترل و جلوگیری از شیوع کرونا همکاری نموده‌اند و از کادر درمانی که در این چند ماه، شبانه‌روزی با ایشار و از خود گذشتگی، تمام توان خود را در طبق اخلاص گذاشته و اقدامات مؤثر و پیشگیرانه‌ای را وضع نموده‌اند، قدردانی ویژه بنمایم.

در پایان ضمن سپاسگزاری از کارکنان، مدیران و اعضای محترم هیأت‌امنا و خیرین همیشه در صحنه که سالیان سال با کمک آنان توانسته‌ایم زندگی نسبتاً مطلوبی برای مددجویان عزیز فراهم نمایم، اعلام کنم، این مؤسسه با محبت شما بزرگواران پابرجاست.

امید دارم که این روند تا پایان مهار کرونا در مؤسسه شهید فیاض بخش با همکاری و همفکری همه مسئولین و با کمک‌های مستمر نیکوکاران گرانقدر ادامه داشته باشد و ان‌شاء... شاهد روزی باشیم که چهره جهان، از وجود این ویروس هزار چهره پاک گردد و مردم در این کره خاکی با صلح و صفازندگی بانشاطی داشته باشند.



عرض ارادت از راه دور

زبان حال فرزندان بهشت کوچک فیاض بخش

یادش بخیر، محرم که می شد روز شماری می کردیم برای رسیدن دهه آخر صفر.. شور و حال عجیبی بود.. هر شب آماده می شدیم، شال و کلاه می کردیم، پشت و پلچرهای همدیگر را می گرفتیم و به سوی مسجد حرکت می کردیم احساسمون این بود دور و پلچرها و سرعت و اگر هامون بیشتر می شود.. وقتی وارد مسجد می شدیم ریه هامون پر می شد از بوی عطر مشک و عنبر که به گوشه گوشه مسجد زده شده بود.. به ردیف می نشستیم و حال خوب یکدیگر را نظاره می کردیم.. خادم مسجد با لبخند چایی به دستمون می داد و ذکر شروع می کرد به مرثیه سرایی و ماهمه همراه او سینه می زدیم، عقده دل و امی کردیم و از اینکه می توانستیم عزاداری کنیم حس خوبی داشتیم.

آخر صفر دنیایی بود برای ما، شبها به عزاداری بود و روزها به استقبال از زائرین پیاده.. خونمون تو مسیر زائران پیاده بود، به شکرانه این نعمت بزرگ، ایستگاه صلواتی به پامی کردیم و به کمک خیرین عزیز به استقبالشون می رفتیم و از آنها پذیرایی می کردیم.. همون زائرینی که عاشقانه آهنگ سفر کرده و به جاده زده بودند و مشتاقانه به سوی غریب الغریبا پیش می رفتند.. قصه آخر صفر پایانی دل انگیز برای ما داشت و اون روزی بود که همه ما در آسایشگاه همراه مددیاران، پرستاران، کارکنان، مسغولین، یاوران و خیرین همه با هم دسته جمعی می رفتیم پاپوس امارضا (ع) نزدیک بارگاه منورش که می شدیم چشمانمان غرق اشک و مات گنبد طلایش می شد نمی توانم برایتان توصیف کنم.. وقتی دستت را می گذاری روی سینه ات، خم می شوی و به آقا سلام می دهی، انگار یک حس گمشده ای آهسته شروع می کند به جوانه زدن.. زیر لب زمزمه می کنی یا ضامن آهو یا غریب الغریبا، ممنون که حواست به من هست.. ممنون که دعوتم کردی، دلت را جا می گذاری در حرمش، گره می زنی به ضریح قشنگش و با حال خوب برمی گردی.

اما امسال کرونا خط طولانی کشید بین آنچه بود و آنچه هست، دیگه نه از عزاداری در مسجد خبری بود.. نه از استقبال از زائرین پیاده، نه از زیارت امام مهربانی ها، نه از یاوران، نه از خیرین و نه از هیئت های مذهبی که هر سال به آسایشگاه می اومند.. چاره ای نیست کرونا همه جا هست، همه چیز را به هم زده، دست هایی که در هم بودند، آدم هایی که کنار هم بودند.. این ها قصه غصه این روزهای همه ماست، اما دلم می گوید: غصه اهالی این خانه بیشتر از همه جاست.. نمیدونم دوباره و کی می شه که باشما یاران عزیز باشیم و به زیارت امام مهربان بریم، اما دلم روشن به روزهایی که می آیند.. کرونا با تمام بدی هاش محبت، عشق و همدلی را بیشتر کرد.

امسال آخر صفر ما متفاوت بود سالن ورودی خانه مان (آسایشگاه) شکل حسینی به خود گرفته بود هر شب با رعایت فاصله گذاری ماسک می زدیم و در نبود دوستان و یاوران عزیز سوگواری می کردیم.. ضریح امام رضا نبود، پنجره فولادش هم نبود، اما دلخوش تر از همیشه، دلمان روانه حرمش می شد.. فقط با یک نگاه.. نگاه به تصویر زیبای بارگاهش که به دیوار چسبانده بودیم.. حالا ما بودیم و یک دنیا ارادت.

معلولیتم را به رخ نمی کشد

گفت و گو با محمد کاظمیان

اردلان تاج‌الدینی

- من تقریباً هفده سال است که در بخش مردان در کنار هم‌نوعان خودم زندگی می‌کنم. مددیاران عزیز می‌دانم که در شبانه روز لطف می‌کنند و بارها من را از روی ویلچر به تخت و برعکس جابه‌جا می‌کنند که بتوانم با شرایطی که دارم کارهایم را خودم انجام دهم، ویلچر برقی من هر سه روز یک بار باید به مدت هشت ساعت شارژ بگیرد تا کارهایم عقب نیفتند.

- ویلچرت را دوست داری؟

- (با لبخند) ویلچرم اسب با وفای من است، اسبم را دوست دارم.

- آقا محمد چه کارهایی انجام می‌دهی؟

- گفتم که کار دکتری، قضاوت، (با لبخند) پستیچی، حمام‌چی، تلفن‌چی، بهداشت‌چی... آره کار می‌کنم (کمی با خود به فکر فرو می‌رود و ادامه می‌دهد) اوایل جوانی گلایه و شکایت داشتم از خودم، از همه و حتی از خدا... ولی به لطف خدا شرایطم را پذیرفتم و گفتم شاید زندگی و خوشبختی برای من همین است که انگشت اشاره‌ام را روی پدال ویلچر برقی بگذارم و کمی جابه‌جا شوم و حس کنم دو تا پا دارم که هر جا می‌خواهم می‌توانم بروم، پذیرفتم که پشت مانع‌هایی گیر کنم و حتی از ویلچرم بی‌فتم، دست یا پایم بشکند و حتی توانایی بالا رفتن از ویلچرم را نداشته باشم ولی نا امید نشوم. کارهایی که انجام می‌دهم حالم را خوب می‌کند. داخل بخش اگر مسئله‌ای، بحث یا اختلافی بین مددجویان پیش بیاید در کنار مسئولین سعی می‌کنم مسئله را حل کنم و به همین خاطر به من میگن قاضی محمد (لبخند...) در بخش مردان مسئولیت تحویل و توزیع وسایل بهداشتی (شامپو، صابون، حوله، مسواک...) به مددجویان و هماهنگی و تلفن به ده، بیست نفر از یاوران جهت استحمام آنها به عهده من است.

تقریباً دو سال است که کلید مسجد را تحویل گرفته‌ام، ظهرها و شب‌ها برنامه‌های مذهبی مددجویان را با هماهنگی هیئت مذهبی آسایشگاه انجام می‌دهم.

- محمد بهترین دوست کیست؟

- اول خدا... بعد از خدا ویلچرم که مرا خوب می‌فهمد صبر دارد و تحمل می‌کند و هیچ وقت معلولیتم را به رخ نمی‌کشد.

طلوع خورشید یک صبح تابستانی را تصور کنیم که از خواب بلند شده ایم و بعد هر کس دنبال کار خودمان رفته و یا توی همان خانه مانده ایم. نمی‌دانم چند دفعه چشم بسته ایم و به مرور روزی که گذشت و به کارهایی که انجام داده ایم فکر کرده ایم، کار سختی نیست، بستن چشم و تصور اینکه در رختخواب ملحفه را پس زده ایم، بلند شده ایم و نشسته ایم و احیاناً به طرف سرویس بهداشتی رفته و دست و صورت شسته ایم و یک راست پشت میز صبحانه و... بعد لباس پوشیده و سوار وسیله ای شده ایم تا به محل کار برویم... شاید تا همین الان از خود بپرسید همه اینها کارهای تکراری هر روز ماست، شاید هم کنایه ای به نگارنده متن بنویسد و بگوید جزئیات هم می‌نوشتی مثلاً قاشق یا چاقو دست گرفته ایم. یا لقمه در دهان گذاشته ایم غذا خورده ایم و حوله برداشته ایم، حمام رفته ایم و... بله اتفاقاً قصه ما از همین کارهای به ظاهر کوچک ساده شروع می‌شود، کارهایی که برای عده ای هر روز به سختی و با شرایط خاص تکرار می‌شود... اما چطور می‌شود کسانی که به چشم بسیاری از ما توانایی برداشتن یک قاشق را نداشته‌اند حالا قهرمان زندگی خود شده‌اند و شگفتی آفریده‌اند. نفس نفس می‌زند، سرش را به دسته ویلچر برقی اش تکیه داده است، گویی با چشمان بی قرارش منتظر است، ماسک خود را پایین می‌کشد و با لبخند به آرامی می‌گوید من دکتر محمد... قاضی محمد، هستم.

- چرا؟ به تو می‌گویند دکتر، قاضی...؟

- باشوخی می‌خندد و می‌گوید چون من یک آدم معمولی و خاصم هر روز کار یک دکتر و قاضی را انجام می‌دهم (هر دو می‌خندیم)... آدم معمولی و قهرمان قصه ما محمد کاظمیان، متولد بهار هزار و سیصد و پنجاه و شش در تهران است، که در یک خانواده هشت نفره به دنیا آمده است. فرزند سوم که چهار نفر از برادر و خواهرهای فوت شده اش نیز دارای معلولیت بوده‌اند... از بدو تولد دارای راشیتیسیم (نرمی استخوان) و دفورمیتی اندام‌های اسکلتی است، آبان سال هشتاد و یک از تهران (مرکز روفیله) به مشهد و آسایشگاه شهید فیض بخش می‌آید - **بفر ما بید آقا محمد**

بهترین لحظات زندگی؟

- سال هفتاد و شش اولین بار در زندگی ام نشستن بر روی ویلچر برقی را تجربه کردم، سال هفتاد و هفت بهترین دوران زندگی ام رفتن به حرم امام رضا (ع) بود و ده سال بعد به کربلا... خدا همیشه در زندگی ما بوده و هست، این ما هستیم که باید پیدایش کنیم، من خدا را هر روز می بینم و دستش را احساس می کنم. لحظه ای که مددیار عزیزم با لبخند به من غذا می دهد، من را جابه جایی کند...

من دست خدا را احساس می کنم وقتی که یاوران برای استحمام و آرایش مدجویان می آیند... من دست خدا را احساس می کنم، (در خود فرو می روم و به حرف های محمد فکرمی کنم)... دستانش را بر روی پدال ویلچر برقی اش می گذارد و می گوید.. امیدوارم هر کسی که قصه زندگی ما را می خواند توانایی من و دوستانم را بداند و قضاوت درست کند...



میراث گرانبهای پدر

خیرین گرامی تنها در پرداخت هزینه‌ها مشارکت می‌کردند ولی بخش عمده سرپرستی کارهای اجرایی و مدیریتی را پدر، خود متحمل و متقبل می‌شد. در شانزده سالگی ام‌من هم کاملاً وارد مجموعه کارهای عملیاتی پدر شدم و با شوق و ذوق که مورد اعتماد و اطمینان پدر بود آنها را پیگیری می‌کردم. می‌پرسم: آقای دانشور بدون شک دستمزد خوبی هم دریافت می‌کردید، درسته؟ پاسخ می‌دهد: نه، به هیچ وجه، طرز تربیت ما به گونه‌ای بود که هیچ زور و اجباری در کار نبود و من کارم را صرفاً از سر شوق و ذوق و علاقه می‌کردم یاد گرفته بودیم که به کار و کیفیت آن اهمیت بدهیم. نگاه بسیار وارسته پدر نیز به مسائل مادی و ثروت‌اندوزی چنان بود که من آن اوایل که تازه، تراول‌های پنجاه هزار تومانی به بازار آمده بود و ارج و قریبی داشت به شوخی می‌گفتم اینها با تکه کاغذهای باطله برای پدر تفاوتی نمی‌کند. البته بنابر همان ترتیب گرچه محدودیتی در برداشت‌ها و هزینه‌کردن‌ها نداشتیم، ولی هیچ‌یک از ما اهل بی‌انظباطی مالی و ریخت و پاشهای بی‌جا هم نبودیم. در سال ۶۵ بود که پدر دچار عارضه‌ای قلبی شد و پس از عمل جراحی در خارج از کشور و به دلیل عدم امکانات جراحی قلب باز در ایران، پس از بازگشت بر دامنه فعالیت‌های انسان دوستانه پدر افزوده شد و ما را هم بیشتر بر وضع مردم و توجه به نیازهای آنان دخالت دادند. پدر که دوباره در سال هفتاد و پنج دچار عارضه قلبی شد به ویژه که همان زمان یکی از اقوام نزدیک در اثر نبود تجهیزات جراحی قلب باز فوت کرده بود، بر آن شد که بخشی از بیمارستان موسی بن جعفر (ع) را به این منظور اختصاص دهد و تجهیزات لازم خریداری شد و از پرسنل صادقی و دکتر بلوریان هم درخواست کردند که مدیریت و اداره این بخش را بر عهده بگیرند. عمل دوم پدر در این بیمارستان نبوده بلکه بعد از جراحی به فکر راه اندازی اتاق عمل در بیمارستان موسی بن جعفر (ع) افتادند. بعدها گرایش‌های پدر به سمت و سوی دو مرکز بزرگ خیریه یعنی آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش و انجمن حمایت از بیماران سرطانی تمرکز بیشتری یافت به طوری که این دو خیریه در صدر توجهات او قرار گرفت. ما هم کم‌کم در معیت پدر با مسئولیت‌های بیشتری روبه‌رو شدیم و همین شد که من وارد مجموعه معتبر فیاض بخش شدم. بعد از پدر هم بسیار سعی کرده‌ایم که جای او را در این مرکز خالی نگذاریم و بیش از گذشته مسئولیت‌پذیر باشیم. کار خاص نمی‌کنیم ولی اگر خدمتی از ما برآید در حد توان برای انجامش تلاش می‌کنیم. می‌گویم: شک ندارم که سعی و تلاشتان همیشه کارگشا بوده و حضور پر رنگتان جای پدر را به عنوان فرزندان خلف همچنان حفظ کرده است. من منتظرم یکی از آن خاطره‌های شیرین‌تان را هم

صمیمانه و مودبانه مرا به دفتر کارش راهنمایی می‌کند. می‌دانم که حرف‌های شنیدنی بسیاری از مرحوم پدر، حاج ذبیح... دانشور و از خودش دارد که برای نشریه ما بزند. خیلی زود می‌روم سر اصل مطلب بسیار خوب آقای بهروز دانشور، فیاض بخشی‌ها با مرحوم پدرتان و خدمات ارزنده ایشان که از پیشگامان خیر و به قول معروف السابقون السابقون بوده‌اند آشنایند و همواره قدرتان زحمات و الطاف خاص ایشان بر این مرکز بوده‌اند، امروز شما برای ما از آن چیزهایی بگویید که از مرحوم پدر و از خودتان نمی‌دانیم، از کار، تحصیلات، خانواده، مشکلات مدیریتی در این مجموعه صنعتی، خولسته‌ها، خاطرات و می‌گوید بسیار متشکرم که از من کمترین، خواسته‌اید گفتگو کنم و برایم وقت گذاشته‌اید. من سال ۱۳۴۵ در مشهد متولد شدم و تحصیلات ابتدایی تا دانشگاهی را در همین جا گذراندم و در سال ۱۳۶۸ از دانشگاه فردوسی در رشته کارشناسی کشاورزی فارغ‌التحصیل شدم. بعد از ازدواج با همسری همراه و همفکر و رفتن به سربازی صاحب دو دختر و پسری شدیم که شیرینی زندگی را برایمان دلچسب‌تر کرده‌اند. دختر بزرگترم تا یک ماه دیگر انشا... برای خودش خانم دکتری می‌شود، پسرم افزون بر کار خودش همکار من هم هست و کوچک‌ترین آن‌ها هم همچنان در پی ادامه تحصیل است. اجازه بدهید همین جا بگویم که من به عنوان نماینده کوچک خاندان دانشور در خدمتتان هستم. از شما چه پنهان، از همان کودکی مرا به خاطر در امان ماندن از شیطنتهای کودکانه‌ام همراه پدر به بیرون می‌فرستادند. خودم این را دوست داشتم و به این ترتیب شد که توانستم شاهد مراحل رشد و بالندگی شخصیت مردانه پدر از یکسو، و توسعه و پیشرفت کار و حرفه‌اش از سوی دیگر باشم.

با وجود کودکی فهمیدم که چگونه پدر با نظم و دقت و ظرافت و سخت‌کوشی در کارش از شاگرد نجاری و میل‌سازی پله پله به استادی و استقلال مالی رسید و در نهایت موفق به راه اندازی این تأسیسات بزرگ و کارآفرینی برای بسیاری شد. افزون بر این‌ها شاهد فعالیت‌های گسترده او در نهادهای مردمی و خیریه‌ها و مؤسسات عام‌المنفعه بودم. مرحوم پدرم ابتدا با همراهی و همکاری مرحوم دکتر هدایتی و حاج آقای صاحبکار، در مانگه خیریه موسی بن جعفر (ع) را تأمین کردند که بعدها تبدیل به یک بیمارستان تمام‌عیار شد. پدر بنا بر خوی و خصلت مهربانانه‌اش پای ثابت بسیاری از این خیریه‌ها بود و وسواس عجیبی در مورد نظارت دقیق و باریک‌بینانه بر امور داشت. بیشتر

در ارتباط با فیاض بخش برایمان بگویند البته همه خاطرات تان شیرین و جذاب است. می گوید: اگر خاطراتان باشد اولین نماد بازارچه نیکوکاری فیاض بخش که بیش از ده سال پیش برگزار شد یک صندلی چرخدار لبه دار بود، پدر خواستند که ما هم چیزی ارزنده را در نظر بگیریم که قرار بود روی سن نمایش برود برای فروش، به همت عالی بگذارند. من بی درنگ و به یاد کار جدیدمان در کارگاه مبل سازی افتادم که یک صندلی راحتی لبه دار که با نماد بازارچه هم تا حدودی هماهنگی داشت. صندلی ما در آن زمان حدود صد و شصت هفتاد هزار تومان قیمت داشت که آن شب روی سن به مبلغ خوبی، اگر حافظه خطا نکنم سی چهل میلیون تومان توسط یکی از خیرین به همت عالی خریداری شد.

پدر از این اتفاق غرق شادی و شمع شد که اشک در چشمانش حلقه زد. این هم گفتنی است که اگر خانواده‌های خود خیرین همراه و همدل آنها نباشند چه بسا ارائه کارشان با دشواری بسیار مواجه می شود. من جا دارد از همسر خودم که همیشه از حمایت و همراهی‌اش برخوردار و دلگرم بوده‌ام سپاسگزار می‌کنم. ایشان خودش هم همین راه و مسیر خدمت رسانی را انتخاب کرده است. خاطریم هست که یکبار در اوایل ازدواج

مان نذری شله زرد پخته و توزیع کرده بود خیلی زیاد آمده بود

گفت این‌ها را چه کنیم

و من هم گفتم که

می بریم برای بچه‌های

فیاض بخش وقتی

خواستیم آن‌ها را

به نگهداری تحویل

بدهیم نپذیرفت و

گفت خودتان بروید

به مسئول آشپزخانه

بدهید و ظرف تان

را هم پس بگیرند

آشپزخانه را که دیدیم کمی

جا خوردیم، نه از بهداشت و

نظافت یک آشپزخانه نشانی

بود و نه از تجهیزات آشپزی و پخت

و پز. بعد از خالی کردن ظرف‌ها در ظرفی

که چه عرض کنم...، راهنما گفت می خواهید از

بخش‌ها هم دیدن کنید؟ من آن‌ها را دیده بودم ولی به امر خانم قبول کردم که دوباره همراهش باشم. نمی دانم بخش زنان بود یا مردان که حتی نتوانستیم از یک اتاق بازدید کنیم و از نیمه راه برگشتیم. بسوی نامطبوع آنجا تحمل ناپذیر بود. دلم می خواهد همه به چشم

بینند که چه تحولات شگرف و گسترده‌ای

به یمن وجود و حضور

مستمر هیئت مدیره و هیئت امناء و

خیرین گرامی و زحمات فراوان همراه

با مدیریت قدرتمند در اینجا صورت

گرفته است. امروزه فیاض بخش به عنوان

یکی از بهترین مکان نگهداری و توانمند

سازی مددجویان در سطح مملکت مطرح است.

خود من هم همکار کوچک آقای مدیر عامل

و عضوی از هیأت امناء هستم و در خدمت اوامرشان

هستم، مرحوم پدر در اواخر عمر تصمیم گرفت

بخشی از اموالش را وقف مجموعه‌ای کند که درآمد

حاصل از آن صرفاً صرف مخارج انجمن حمایت

از بیماران سرطانی شود. به همین منظور در سال

۸۷ هتل دانشور را به بهره برداری رساند. در آن مجموعه

هم بنده طبق وصیت پدر ناظر بر وقف هستم. هیچ

یک از اعضاء خانواده هرگز حق هیچ گونه ادعایی

برای مدیریت یا تملک آن نخواهند داشت و فقط

فرزندان ذکور هر نسل باید ناظر بر وقف باشند.

می گویم روحشان شاد. موسسه شهید فیاض بخش

در ایام دومین سالگرد وفات ایشان برایشان رحمت و

غفران و برکات خداوندی و همشینی با قدسیان عرش را

آرزو می‌کنند. و حالا اگر سخنی مانده

از خودتان؟ می گوید: امیدوارم نسل

سوم، یعنی فرزندان ما، راه

و رویه پدر بزرگ را پی

بگیرند و از خدمت به

مردم غافل نشوند.

دوست دارم این

را هم مشفقانه

به همه آنهاپی

گوشزد کنم که

می پندارند با

اتفاق زیاد از

اموالشان کاسته

می شود. نه بر

عکس، اگر بی ریا

بخشنده باشند و به

دنبال رضایت خداوندی

اتفاق از درماندگان را نوعی

وظیفه انسانی بشمارند، برکت در

زندگانی شان جاری می‌گردد. مطمئناً

این حال دلشان را خوب می‌کند. اگر این حال

خوب، این خوشی خالص و ناب را می‌خواهند، اگر

می‌خواهند جان و دلشان سبک و شاداب شود، اوج

بگیرد، به پرواز درآید، با میل و رغبت بیخشند، اتفاق

کنند و بعد سرخوشانه حال دلشان را به تماشا بنشینند.



فیض روضه

تکتم جاوید / روزنامه شهر آرا

خیران را نمی بینند دلتنگ است اما معتقد است به زودی ایمن شرایط پایان می یابد. فاطمه که دستی در کارهای هنری دارد و زیور آلات درست می کند و عضو گروه سرود آسایشگاه هم هست، دعای روزها و شب هایش این است که ابتدا برای رادیو گویندگی کند دوم اینکه روزی کرونا تمام شود.

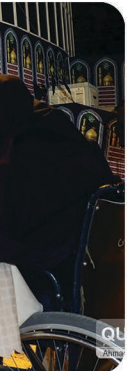
آدم هایی با درد مشترک علی اصغر ریانی فر، یکی دیگر از میهمانان حاضر در مراسم عزاداری امام حسین (ع) است که از چهار سال پیش اینجا ساکن شده است. او هم با فاصله دومیتری از دیگر دوستانش، از مراسم فیض می برد و از حس و حال عجیبی می گوید که برای این فضا حاکم است: «حال اینجا با عزاداری در مکان های دیگر تفاوت دارد، شاید چون همه اینجا یکسان هستند و یک درد مشترک دارند؛ یعنی معلولیت». شمرده شمرده سخن می گوید و گاهی قطره اشکی در چشمانش حلقه می زند: «آرزوی من، زیارت صحن و ضریح امام حسین (ع) است. ان شاء الله قسمت بشود این مراسم را در کرپلا برپا کنیم». شفا برای همه معلولان، ذکر دیگر روزها و شب هایش است. به سراغ شهنواز می روم، سالم به این دنیا چشم گشود اما بر اثر غفلت پرستارش، از دست او به زمین افتاد و یخشی از مغزش آسیب دید، طوری که حالا پاهایش حس و حرکتی ندارد. خانواده اش دور از او در شهرستان دیگری زندگی می کنند ولی همان ملاقات گاه و بیگاهشان برایش کافی بود. حالا اما کرونا همه چیز را به هم ریخته است و او از چند ماه دوری، حسابی غصه دار است. کل مراسم را با اشک دنبال می کند و از دلتنگی ای می گوید که ماه هاست با آن سر می کنند: «ز پنجمه پیش که کرونا شایع شده است، هیچ مراسم و تجمعی نداشتیم، حتی کارگاه ها هم تعطیل بودند و صبح تا شب را در همان آسایشگاه سر می کردیم. حالا آمدن به این مراسم و دیدن دوستانمان، نعمت است». صدای روضه که بلند می شود، همه را با خود همراه می کند؛ از جمله شهنواز که دوباره گریه امانش رامی برد و میان اشک ها می گویند دعای می کنیم همه کسانی که درگیر کرونا شده اند، شفا پیدا کنند. خدا به همه بچه های اینجا و همه آن ها که در بیمارستان ها هستند، سلامتی بدهد. او از مردم می خواهد بهداشت را رعایت کنند تا بیماری زودتر از بین برود، زیرا تحمل ماندن در آسایشگاه، برایشان خیلی سخت شده است. هر چه به زیارت آقا بروید، بیشتر مشتاقش می شوید. مراسم با ذکر مصیبت یک ملاح دیگر ادامه می یابد. یکی از کارکنان بین میزها راه می رود و به بچه ها تذکر می دهد که ماسکشان را مرتب کنند. یکی از نیروهای خدماتی هم یک بسته شکلات در دست دارد و چند دانه ای روی هر میز می گذارد. آن طور که می گوید، «خیران اگر چه مثل هر سال خودشان حضور ندارند، هزینه مراسم هر شب را تقبل کرده اند». کنار یکی از میزها می نشینم تا الهه مهمان آخرین گفت و گویمان باشد. او هم عضو گروه موسیقی است و هم هنرمند، اما داشتن مسئولیت کتابخانه آسایشگاه به قول خودش، «بهم تر از همه» آن هاست. از وقتی کرونا شایع شده است، برای پیشگیری از تجمع بچه ها در کتابخانه، با همان ویلچر به اتاقشان می رود و کتاب امانت می دهد. با اشاره به پرچمی که اسم اباعبدالله الحسین (ع) رویش نقش بسته است، می گویند: «من تا حالا دوبار رفته ام حرم امام حسین (ع)». وقتی تعجب مرا می بیند، با خنده ریزی توضیح می دهد. سال ۹۲ برای امام رضا (ع) سرودی خواندیم و یک عده از خیران، تعدادی از بچه ها را بردند کرپلا، سال ۹۶ هم با یک تیم ورزشی دوباره مشرف شدیم. بعد ادامه می دهد: «هر چه به زیارت آقا بروید، بیشتر مشتاقش می شوید. آرزوی من فقط همین است که دوباره به زیارت امام حسین (ع) مشرف شوم».

در روزها و شب هایی که همه کوچه ها و خیابان ها علم عزاداری امام حسین (ع) را برپا کرده اند، گوشه دیگری از شهر و همان جا که منزل عله ای از فرشتگان زمینی است، عله ای گوش به آوای روضه هلی محرم سپرده اند که اگر چه جسمی ناتوان دارند، روح و جانشان با صاحب این ایام، آشنایی دیرینه دارد. مدجویان آسایشگاه معلولان فیاض بخش هم سیاه پوش شده و از قافله عزاداران سالار شهیدان عقب نمانده اند. آن ها هر شب با رعایت پروتکل های بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی به حیاط آسایشگاه می آیند برای سو گوری. همه ماسک زده اند و ویلچر یا صندلی شان پشت یک میز قرار گرفته است. به همین ترتیب شب های دهه اول محرم تا ۱۵۰ نفر از مدجویان مرکز، پای منبر عزاداری می نشینند. این اولین تجمع آنان پس از اعلام شیوع کروناست؛ به همین دلیل بیش از پیش برایشان دلچسب است. از طرفی خیرانی که همیشه حامی بچه های آسایشگاه بوده اند، فرصت دیدارشان را در ایام کرونا از دست داده اند. از آنجا که دیدارهای حضوری ممکن نیست، مسئولان برنامه ای چیده اند که هر شب، ساعت ۸:۳۰ برنامه زنده عزاداری از صفحه اینستاگرام آسایشگاه پخش شود. این است که عزاداری فیاض بخش با حضور حقیقی مدجویان و حضور مجازی خیران، هر شب برپاست. حسرت دیدن دسته های عزاداری، هوا صاف است و نسیم ملایمی در فضا جریان دارد. از آن شب هایی است که دوست داری زیر سقف آسمان خدا بنشین. بچه های آسایشگاه راس ساعت آمده اند تا عزاداری کنند. زنان یک طرف و مردان سوی دیگر. یکی از آن ها شال سبز بزرگی روی شانه انداخته است و روی ویلچر دورتر از بقیه به صدای سخنران گوش می کند. سیدجعفر تقی پور، کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی دارد و از هفده سال پیش ساکن آسایشگاه فیاض بخش شده است: «سال های قبل، دسته ها و هیئت های عزاداری برای تغییر حال و هوای بچه ها به آسایشگاه می آمدند، روضه خوانی و نوحه خوانی می کردند و می رفتند» او تفاوت مهم محرم امسال با محرم های قبل را در برگزاری همان مراسم می داند و می گویند: حضور آن آدم ها حال و هوای ما را عوض می کرد، حتی از شهرهای دیگر هم مهمان داشتیم. با وجودی که اسمشان را نمی دانستیم، هر سال منتظر دیدنشان بودیم.

حیف که محرم امسال از آن مراسم بی نصیب ماندیم! «تقی پور که با وجود مشکل ضعف عضلاتی به حرفه بازاریابی بیمه در آسایشگاه مشغول است، حسرت دیگرش را پیاده روی به سوی حرم امام رضا (ع) می داند: «هر سال پانزده تاسی نفر برای عرض تسلیت به حرم مشرف می شدیم که حال خوبش وصف ناشدنی بود». با همه این احوال، از حضور در مراسم شب های محرم آسایشگاه، ابراز خرسندی می کند و دعای خیرش را بدرقه راه خیران.

آرزو دارم گوینده رادیو شوم ملاح، دعای فرج می خواند و بچه ها دستانشان را به سوی آسمان برده اند و همراهی اش می کنند. صلوات ها را بلندبلند می فرستند. شور و حال غریبی در مراسم برپاست. یکی اشک می ریزد. آن یکی زیر لب چیزی زمزمه می کند. فاطمه روشنند است و تازگی ها آموختن پیانو را با کمک یک مربی روشنند آغاز کرده است. این دختر بیست و نه ساله با صدای آرامی که کمی رنگ غم دارد، می گویند: درست است که امسال کرونا همه کارها را تعطیل کرده است، اما نباید همیشه جنبه منفی ماجرا را دید. هر سال مراسم در نمازخانه برگزار می شد ولی من امسال از برگزاری عزاداری در فضای باز حس بهتری دارم. آرامش زیر سقف آسمان را با تمام وجودم احساس می کنم. او هم از اینکه یاوران و





فیض روضه

آسایشگاه معلولان شهید فیاض بخش با داشتن ۵۵۰ معلول مقیم در چهار بخش اطفال، زنان، مردان و دانش آموزان دختر و پسر، بزرگ ترین مرکز نگهداری معلولان جسمی حرکتی در کشور است. علاوه بر آن هزار و دویست مددجوی غیرمقیم نیز ماهانه از خدمات این مرکز در حوزه های مختلف توانبخشی، همچون بهداشتی، درمانی، دندان پزشکی، فرهنگی و ورزشی استفاده می کنند.

سیده حشمت نبوی، مسئول روابط عمومی و امور فرهنگی آسایشگاه، درباره خدمت رسانی هایشان در روزگار شیوع کرونا می گوید: ما از اولین موسسات در کشور بودیم که برای مبارزه با کرونا پیش قدم شدیم و به دلیل هزینه مازاد روزانه ۱۲ تا ۱۵ میلیونی تهیه اقلام بهداشتی برای مقابله با کرونا، خوشبختانه نمونه ای از ابتلا در بین معلولان مرکز نداشته ایم. وی در ادامه تاکید می کند: در روزهای عادی سال، هر هفته برنامه های فرهنگی و مذهبی زیادی برای معلولان برگزار می شد اما امسال با توجه به شرایط خاص، مراسم را از مسجد آسایشگاه به حیاط مرکز آوردیم و با کمک خیران برگزار می کنیم.

امسال قبل از محرم، پویش «کیست مرا یاری کند» را به راه انداختیم و از شهروندان خواستیم هزینه مراسم مذهبی خود را صرف کار خیر کنند که استقبال خوبی هم از آن شد و این استقبال همچنان ادامه دارد. او به مشارکت خوب مردم برای کمک به آسایشگاه، اشاره و یادآوری می کند: حتی تعدادی از مردم که عزیز خود را بر اثر بیماری از دست داده بودند، هزینه مراسم ختم را به آسایشگاه هدیه کردند. به گفته او هشتاد درصد هزینه های آسایشگاه با کمک های مردمی تأمین می شود و بیست درصد با کمک های دولتی و یارانه ها. مسئول روابط عمومی و امور فرهنگی آسایشگاه از هزینه های جاری که بالغ بر سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان در ماه است، نیز یاد می کند و می افزاید: با توجه به خدماتی که مرکز می دهد، هزینه نگهداری هر فرد معلول، ماهانه سه میلیون و پانصد هزار تومان است؛ البته این مبلغ براساس تورم سال نود و هشت است. او درباره شرایط ویژه این روزهای فیاض بخش نیز توضیح می دهد: پانزده نوع کارگاه اشتغال در آسایشگاه وجود دارد که از اسفند سال گذشته که بچه ها در قرنطینه کامل در اتاق هایشان هستند، تعطیل شده است. همچنین ملاقات عمومی با خیران و خانواده های معلولان برای حفظ سلامتی آن ها ممنوع است. نبوی از مردم می خواهد در ماه محرم و صفر، هوای عزاداران خاص امام حسین (ع) را داشته باشند.



خشت تا بهشت

گفت و گو با مهندس مرتضی ملکی، مدیر اجرایی طرح جامع مؤسسه حسین حسین زاده



برای انتفاع مشکلات به کار گرفته و در پروژه طرح جامع نیز همه جانبه حضور و همکاری دارند اما روی سخنش بیشتر با مسئولین خارج از مجموعه است چرا که اگر آنها قدم رنجه کنند و پایه موسسه و پروژه طرح جامع بگذارند خودشان از نزدیک شاهد خدمات ارزنده و بی نظیری خواهند بود که چطور در این مجموعه به این فرشته های زمینی ارائه می شود و در این صورت هر کدام از آنها یک سفیر مهربانی برای آسایشگاه معلولین خواهند شد تا مشکلات مادی و غیرمادی مجموعه را با دستان پرمهر خود و دوستانشان حل نمایند. در ادامه پیشرفت فیزیکی طرح و استراتژی برای ادامه بهتر کار را جویا شدم که ادامه داد: از ۷۵۰۰ متر زیربنای تقریبی که در این فاز در نظر گرفته شده هم اکنون چیزی حدود ۲۵۰۰ متر آن از لحاظ اسکلت بندی و بتن سازه، شکل گرفته و با عنایت خدا و یاری مردم عزیز تا پایان سال شاهد پیشرفت خوبی در طرح خواهیم بود و ادامه داد رویکرد ما ارائه کار با کیفیت و با استراتژی استفاده و به کارگیری از افراد متخصص و مجرب است و امیدوارم بتوانیم در این راه موفق باشیم. مدیر پروژه طرح جامع از همه بزرگوارانی که سنگ بنای پروژه را نهادند و در ابتدا با تمام سختی هایی که وجود داشته این طرح بزرگ را شروع کردند قدر دانی و تشکر کرد. وی همچنین قول داد با همکاری سایرین از حداقل امکانات موجود حداکثر استفاده و بهره وری را داشته باشد تا ان شاء الله در آینده قیچی افتتاح یک پروژه با کیفیت و ماندگار با دستان پرمهر نیکوکاران عزیز انجام گردد.

سرما حضور دارد این گفتگو را با رعایت پروتکل های بهداشتی انجام دادم. در سخن نخست، مدیر اجرایی جوان و البته با انرژی پروژه جناب آقای مهندس مرتضی حسین زاده ملکی از کلیه عوامل و مجموعه آسایشگاه به خاطر تعامل و همکاری که با کادر فنی ایشان در پروژه دارند، بسیار تشکر و قدر دانی می نماید. وی در ادامه از نحوه آشنایی خود با آسایشگاه که از طریق پدر بزرگوارشان و هیات مدیره محترم صورت گرفته صحبت کرد و از این بابت بسیار خرسند بود که توانسته، قدم در راه پدرشان بگذارد و خدا را شاکر بود که در مسیر ارائه خدمت به معلولین از طریق تخصص و توانمندی، اجرای پروژه طرح جامع به وی واگذار شده است. مهندس ملکی درباره همکاری خود با پروژه گفت که در ابتدا اجرای پروژه در اختیار خود مجموعه آسایشگاه بود و او به عنوان ناظر به پروژه دعوت گردید ولی در ادامه با صلاح دید مدیران و در راستای برون سپاری طرح، اجرای پروژه به صورت مدیریت پیمان به وی محول گردید. وقتی از مشکلات و موانع این طرح بزرگ پرسیدم، گفت منهای گسترش ویروس کرونا که وقفه ای حدوداً یک ماه (از اواخر اسفند ۹۸ تا اواخر فروردین ۹۹) در پروژه ایجاد کرد، چند مورد دیگر اعم از صدور مجوزها، پروانه ساخت، تسطیح کف پروژه و مشکلاتی که در رابطه با پیمانکاران جزء (قالب بندی و...) وجود داشت که الحمدالله در حال حاضر مشکل خاصی وجود ندارد، هر چند که بحث تامین منابع مالی و اقتصادی این پروژه دغدغه اصلی مدیران مجموعه است. وقتی صحبت را با چگونگی همکاری مسئولین ذی ربط و انتظار او از آنها پیش بردم، اظهار داشت که مدیران و مسئولین داخل موسسه تمام

صدای فرشته ها شنیدنی است وقتی شما را به خانه خود دعوت می کنند، خانه ای که وقتی شما به دیدار فرزندان شما می آید به آرامشگاه تبدیل می شود. بلی اینجا آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش (عبدا... هنری) مشهد است. مکانی با قدمت نیم قرن که بزرگترین مجموعه نگهداری و توانبخشی به معلولین عزیز از سراسر ایران زمین است. هر چند این گذر زمان طولانی، پیوند و الفت شما را با آسایشگاه محکمتر کرده اما ساختمان های آن را فرسوده نموده، بر این مینا مسئولین و نیکوکاران عزیزی چون شما اراده خود را در بازسازی استاندارد و مدرن این آسایشگاه به منصفه ظهور گذاشتند. طرح جامعی با چهل و پنج هزار متر مربع زیر بنا در چند فاز مستقل شامل یک بلوک اقامتی چهار طبقه، سه بلوک اقامتی سه طبقه، ساختمان توانبخشی بی نظیر در خاورمیانه، ساختمان های اداری، نگهبانی پارکینگ، سالن های چند منظوره و مدرن جهت برنامه ها و همایش های متنوع. از آنجا که یکی از فازهای این طرح بزرگ در حال احداث می باشد فرصت را غنیمت شمردم و سری به پروژه زده تا گفت و گویی با مدیر اجرایی آن داشته باشم. در ساخت این پروژه مثل همیشه نیازمند نگاه مهربانانه خیرین هستیم. هر روز که از کنار آسایشگاه عبور می کنم ناخودآگاه چشمم به پروژه طرح جامع در حال ساخت موسسه می افتد. حتی از دورتر هم که به آسایشگاه نزدیک می شوم "ناور کریں" زرد رنگ نصب شده خودنمایی می کند. کنجکاوی درباره وضعیت فعلی و آینده این پروژه بهانه ای شد تا در یک بعدازظهر شهریوری که گرمای هوا هنوز نیش می زند گفت و گویی صمیمانه با مدیر اجرایی پروژه داشته باشم. به علت وجود ویروس منحوس کرونا که آفاق را در نور دید و سایه شومش همچنان بر



طرح جامع آسایشگاه

با توجه به بافت فرسوده آسایشگاه و باهدف احداث مکانی ایمن و مناسب با ظرفیت ۱۲۰۰ مددجو طرح جامع آسایشگاه از سال ۹۳ توسط شرکت مهندسی طرح و تکوین با مدیریت نیکوکار و نیک اندیش گرانقدر آقای دکتر محمدرضا حافظی طراح برج میلاد تهران آغاز شد. این طرح کم نظیر حدود چهار و پنج هزار متر مربع مساحت دارد و شامل چهار بلوک خوابگاهی، یک بلوک توانبخشی ساختمان اداری و ساختمان چند منظوره برای برگزاری برنامه های فرهنگی و هنری همچون سالن همایش و کتابخانه است و در هشت مرحله اجرا خواهد شد اجرای مرحله اول آذر ماه ۱۳۹۷ آغاز شد



نوگلان این خانه در روزهای کرونایی

محدثه کیوانی

یکی از واحدهای فعال آموزشی آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش، مهد کودک با دو بخش اصلی کارگاه مونتزه سوری و کارگاه قصه و خلاقیت می باشد. این واحد در دوره قبل از ویروس کرونا با ۲۲ مددجوی ۲ تا ۶ سال با کارشناسان متخصص مشغول فعالیت بود که متأسفانه به دلیل شیوع این ویروس مجبور به تعطیلی دو ماهه گردید و به دنبال آن کودکان بخش اطفال درگیر مشکلات عاطفی و هیجانی از قبیل اضطراب، بی انگیزگی و خلق پایین، کاهش آستانه تحمل گردیدند هر چند که سعی بر این بود که ارتباط ما با کودکان قطع نگردد و خدمات روان شناختی به صورت غیر مستقیم ارائه گردید. بنابراین تصمیم مدیریت از اوایل خرداد ماه این واحد با پشتکار مضاعف شروع به کار کرد و تغییرات کمی و کیفی در آموزش ها و فعالیت های کودکان تحت آموزش ایجاد شد که شامل موارد ذیل می باشد:

- ۱- آموزش مونتزه سوری زیر ۳ سال
 - ۲- آموزش مونتزه سوری زیر ۶ سال
 - ۳- آموزش مهارت های خودیاری گروه تربیت پذیر
 - ۴- فراهم نمودن و استفاده از محیط متناسب بارشد ویژه گروه شیر خوار
 - ۵- ارائه خدمات بازی درمانی فردی و گروهی
- و همچنین در این راستا ارتقاء فعالیت های آموزشی در جهت تنظیم هیجانات و ایجاد جذابیت شامل
- ۱- بختن غذاهای متنوع و مورد علاقه کودکان توسط خود آنها
 - ۲- بخش فیلم و قصه درمانی
 - ۳- برگزاری مراسم مناسبتی
 - ۴- قرار دادن میان وعده های مقوی در برنامه چاشت روزانه
 - ۵- بازی ها و سرگرمی های گروهی در محوطه بازی از قبیل آب بازی

انجام شد که خوشبختانه با استقبال بی نظیر کودکان بازخورد بسیار خوبی در جهت کاهش اضطراب، سازگاری و انطباق با شرایط موجود، تخلیه هیجانی، افزایش تاب آوری و شاد زیستن نصیب این مجموعه گردیده است و تعداد کودکان بهره مند از این واحد چهل نفر افزایش پیدا کرده است و اکنون ما مفتخریم با وجود شرایط سخت، آموزش در جریان است و لبخند بر لبان کودکانمان جاریست.





عضو کدام گروهی

علی ناصری

اگر دقت کرده باشین؛ ما معمولا در همه عمر، عضو یه گروه یا تیمی هستیم؛ بعضی هاشون خیلی تابلو هستن و بعضی هاشون نه. گروه های هنری، گروه های ورزشی و... این ها گروه هایی هستن که معمولا آگاهانه عضو شون می شیم. ولی گروه ها و تیم هایی هم هستن که هر چند مدت ناخود آگاه به شون ملحق میشیم؛ گاهی تر کشون میکنیم و باز برمیگردیم. مثل گروه احمق های بی فرهنگ؛ زمانی که آشغالمون رو توی خیابون یا طبیعت پرت می کنیم! مثل گروه راننده های عصبانی؛ زمانی که پشت فرمون بد و بیراه میگیریم. گروه دیونه های خوشحال؛ زمانی که مسخره بازی در می آریم و خوشیم! گروه آدم های افسرده؛ زمانی که ناامیدیم و اشتیاقی نداریم. جالبه که حقیقتا گاهی وقت ها عضو گروه هایی میشیم که در حالت طبیعی از شون فراری هستیم! بهر حال ظاهرا ما ناگزیر از عضویت هستیم! حتی زمانی که تنها هستیم باز هم عضو گروه تنهاییان هستیم! مسلما عضویت در هیچ تیمی رایگان نیست. ما همیشه در حال پرداخت هزینه و بهای عضویت هستیم. پس شاید وقتش شده باشه که حساب دخل و خرجمون رو درباریم و سبک سنگین کنیم. همیشه یه تیم هایی هستن که ارزش کنار گذاشتن رو دارن، مثل رسیدنهای کوچیک خرید که فقط جیب رو اشغال می کنن و خیلی زود باید از دستشون راحت شد یا افکار منفی و بیهوده ای که ذهن رو پُر کردن و هیچ اثر مثبتی ندارن! خب حالا وقتشه که از خودمون بپرسیم که حقیقتا عضو کدوم گروهیم؟



اخلاص در کار نیک

بر گرفته از کتاب حکایات بهلول
محمد شب زنده دار

آورده اند که روزی زبیده زوجه هارون الرشید در راه بهلول را دید که با کودکان بازی می کرد و بانگشت بر زمین خط می کشید پرسید: چه می کنی؟ گفت: خانه می سازم. پرسید: این خانه را می فروشی؟ گفت: آری. پرسید: قیمت آن چقدر است؟ بهلول مبالغی ذکر کرد. زبیده فرمان داد که آن مبلغ را به بهلول بدهند و خود دور شد. بهلول زر بگرفت و بر فقیران قسمت کرد. شب هارون الرشید در خواب دید که وارد بهشت شده به خانه ای رسید و چون خواست داخل شود او را مانع شدند و گفتند این خانه از زبیده زوجه توست. دیگر روز هارون ماجرا را از زبیده پرسید. زبیده قصه بهلول را باز گفت. هارون نزد بهلول رفت و او را دید که با اطفال بازی می کند و خانه می سازد. گفت: این خانه را می فروشی؟ بهلول گفت: آری. هارون پرسید: بهایش چه مقدار است؟ بهلول چندان مال نام برد که در جهان نبود. هارون گفت: به زبیده به اددک چیزی فروخته ای. بهلول خندید و گفت: زبیده ندیده خریده و تو دیده می خری میان این دو، فرق بسیار است.



برگ و باری است که می رویانیم

به بهانه ۱۵ مهر سالروز تولد سهراب سپهری

دل من دیر زمانی است که می پندارد
دوستی نیز گلی است
مثل نیلوفر و ناز
ساقه ترد ظریفی دارد
بی گمان سنگدل است آنکه روا می دارد
جان این ساقه نازک را
دانسته بیازارد
در زمینی که ضمیر من و توست
از نخستین دیدار
هر سخن، هر رفتار
دانه هایی ست که می افشانیم
برگ و باری است که می رویانیم
آب و خورشید و نسیمش مهر است
گر بدان گونه که بایست به بار آید
زندگی را به دلانگیزترین چهره بیارید
آنچنان با تو در آمیزد این روح لطیف
که تمنای وجودت همه او باشد و بس
بی نیازت سازد، از همه چیز و همه کس
زندگی، گرمی دل های به هم پیوسته ست
تا در آن دوست نباشم همه درها بسته ست
در ضمیرت اگر این گل ندمیده است هنوز
عطر جان پرور عشق
گر به صحرای نهادت نوزیده است هنوز
دانه ها را باید از نو کاشت
آب و خورشید و نسیمش را از مایه جان
خرج می باید کرد
رنج می باید برد
دوست می باید داشت
با نگاهی که در آن شوق برآرد فریاد
با سلامی که در آن نور بیارد لپخند
دست یکدیگر را
بفشاریم به مهر
جام دل همامان را
مالامال از یاری، غمخواری
بسپاریم به هم
بسراییم به آواز بلند
- شادی روی تو
ای دیده به دیدار تو شاد
باغ جانت همه وقت از اثر صحبت دوست
تازه
عطر افشان
گلباران باد



آمنه رزاقی (مدیر)

از سال ۱۳۸۷ در آسایشگاه مشغول به کار شدم در این سال ها خاطرات تلخ و شیرین زیادی با بچه ها داشتم که یکی از آن، خاطره پذیرش نوزادی است که آسایشگاه نام آن را فروغ گذاشت. از زمانی که فروغ را آوردند آرامش خاصی در دلم احساس کردم به طوری که غم از دست دادن فرزندم کمتر شد و فروغ برایم هدیه ای از طرف خداوند بود که جای دخترم را پر می کرد. آنچنان مهر این دختر در دلم جا باز کرده بود که حتی طاقت مرخصی اش را نداشتم و به خاطر اینکه فروغ ضعیف بود، طبق برنامه باید هر شب شیر و عسل به او می دادم. وقتی به مرخصی می رفتم از همکارانم خواهش می کردم که شیر و عسل فروغ را بدهند با اینکه می دانستم همکارانم کوتاهی نمی کنند. حتی یک شب یک نفر از همکارانم فراموش کرده بود که شیر و عسل بدهد از خواب بیدار می شدم و فروغ را به موقع تغذیه می کند و الان که می بینم فروغ به مدرسه می رود و شکوفا شده است و در فعالیت های هنری و ورزشی آسایشگاه حضور دارد حس خوبی به من دست می دهد.



یادها و خاطره ها



شادیه هنری (فرزند زنده یاد عبدالله هنری)

دروغ بر روان پاک پدرم شادروان عبدالله هنری ... بعد از نیمه ماه مبارک رمضان ۹۸ مدیر روابط عمومی آسایشگاه با من تماس گرفتند و اطلاع دادند که با تعدادی از عزیزان مددجو به تهران آمده اند. برای دیدار هماهنگی های لازم انجام شد و من همراه دوستان نیکوکار با اشتیاق در هتل ورزش به دیدار این عزیزان رفتیم، با استقبال بسیار گرم و اجرای زیبایی موسیقی توسط بچه ها، من و دوستانم، خودمان را در بهشت احساس می کردیم از اینکه فرزندان پدرم این اندازه موفق و شکوفا شده اند به خودم می بالیدم ساعات خوشی کنار هم بودیم از اینکه آرزوهای پدر واقعیت پیدا کرده، خدا را شاکر شدم آن روز یکی از بهترین روزهای زندگی من بود و درس بزرگی برای همگی ما.

حمیدفرهادی (مدیر)

متولد ۱۳۵۷ هستم از سال ۱۳۸۳ در آسایشگاه شهید فیاض بخش (عبدالله هنری) مشغول به کار شدم از آن سال تا به حال خاطرات بسیاری با بچه ها دارم اما بهترین و به یادماندنی ترین خاطره ام در سال نود و دو رخ داده زمانی که اعلام کردند که باید با گروه سرود دختران آسایشگاه به کر بلا بروم خیلی حس عجیبی پیدا کردم چون می دیدم این بچه ها توانمند شدند و جایزه این هنر نمایی رفتن به کر بلا شده و اینکه من را لایق دانستند که همراه شان مشرف شوم، در حالی که می دانستم تنهایی با چهارده نفر مددجو کار دشواری است اما به عشق امام حسین و خلعت به دخترانم، سختی ها برایم آسان شد. در شهر کر بلا و نجف اتوبوس مناسب سازی شده نبود و پیاده سوار کردن بچه ها به تنهایی دشوار بود و می دلم اگر در مشهد بودیم خیلی برایم سخت بود اما در کر بلا آنچنان نیرویی خلودن به من عطا کرده بود که بدون هیچ سختی جابه جایی کردم و همین که دخترانم می گفتند بابا فرهادی خدا خیرت بده و زیارت تون قبول، اثری می گرفتم و خوشحال می شدم.



از اسارت تا خدمت در آسایشگاه شهید فیاض بخش

مهدی عیدیان

شدند: جوان بودم و هزاران آرزو داشتم. معلوم نبود این اسارت تا چه وقت طولانی شود.

هیچ کدام نمی دانستیم زنده می مانیم و یا خیر. از این فکرها به شدت روایتم را به هم ریخته بود. از یک روز به بعد به حضرت زینب (س) توسل کردم که با اهل بیت امام حسین (ع) اسیر بود. این توسل به من انرژی و نیروی داد که ایمان داشتم هر اتفاقی بیفتد حضرت زینب (س) کنارمان هستند.

معده هایمان کوچک شده بود

وضعیت اردوگاه به ویژه در ۶ ماه اول اسارت را با واژه های «سفناک» و «غیر قابل وصف» شرح می دهد. از رحم و مروت نداشتن افسرانی صحبت می کند که حتی آب را از آنان دریغ کرده بودند چه برسد به غذا و تاکید می کند شاید باورتان نشود بعضی ها روزی نصف لیوان برنج به ما می دادند. آنقدر کم که معده هایمان کوچک شده بود. با خنده ادامه می دهد بعد از اینکه آزاد شده بودم تا مدت ها نصف بشقاب برنج را بیشتر نمی توانستم بخورم. این جمله را که می گوید خنده اش می گیرد اما خیلی زود چهره غمگینش با شرح ادامه ماجرا پیدا می شود: همه اسرا تحریف و لاغر شده بودند. حمام، آب گرم برای شستن لباس ها و دستشویی مناسبی نبود. شلوغی اردوگاه و سوله ها وضعیت بسیار وخیمی را به وجود آورده بود. هنوز هم بعد از چند سال وقتی یاد آن روزها می افتم بدنم می لرزد. بسیاری از اسرا بیمار می شدند و بیماریهایی مانند اسهال خونی، سل و زخم های سر و صورت از بدیهی ترین مشکلات بچه ها بود.

منافق همه جاهست باید مواظب باشیم

قربانی در بخش دیگری از تجربیات زندگی اسارتش می گوید: در دوران اسارت افرادی بودند که به خاطر غذا، حمام آب گرم، سیگار و موارد این چنینی حاضر بودند اطلاعات و اتفاقاتی را که در اردوگاه می افتد به بعضی ها گزارش دهند. هر چند ما آن ها را شناسایی کرده و دستشان را برای همه رو می کردیم. اما آن ماجراها درس مهمی به من داد که دانستم منافق در همه مکان ها و همه زمان ها حضور دارد باید مواظب باشیم.

خبری که کمرمان را شکست

همه سختی های دوران اسارت را تحمل کردیم اما شنیدن یک خبر در این دوران کمرمان را شکست و آن خبر وفات امام خمینی (ره) در دوران اسارت بود که غم دنیا را به دلمان نشاناند. جلوی اشکهایش را می گیرد وقتی حالش را بازگو می کند می گوید: انگار دنیا بر سرمان خراب شد. تا مدت ها اسرا غمگین بودند. شاید باورتان نشود اما آزادی بدون امام برایمان لذتی نداشت.

فرزند نام هنوز بیکار هستم

خاطرات روزهای اسارت را به گوشه ذهنش رانده و این روزها زندگی عادی خودش را دارد اما دغدغه ها تنهایش نمی گذارند: تنها چیزی که خیلی من را اذیت می کند شنیدن نیش و کنایه بعضی افراد به خانواده شهدا و اسرا است. اینکه درباره شیوه زندگی آن ها تصورات دیگری دارند. من دو فرزند تحصیل کرده دارم که هر دو بیکارند. من اعتقاد دارم هنوز حق مطلب برای شهدا، جانبازان، اسرا و ایثارگران اداء نشده است. من برای وطنم کاری انجام ندادم که به دنبال حقی باشم ولی حق مادی و معنوی دیگران بر زمین مانده است.

رضوانعلی قربانی از روزهای اسارت، جنگ و خدمت کنونی اش در آسایشگاه می گوید به هر طرف سر می چرخانیم نیروی دشمن بود. اما قبل از اینکه به ما نزدیک شوند سلاح هایمان را شکستیم و به اطراف پرت کردیم تا غنیمت دست آنها نشود. لحظاتی بیشتر طول نکشید که همه ما را سوار نفریر کردند و به طرف عراق راه افتادیم. به همین سرعت شدید اسیر جنگی ... هواپیما های جنگنده ایرانی سرسیدند تا به تانک ها و نفریر دشمن حمله کنند شاید چون متوجه نیروهای خودی شدند این کار را انجام ندادند، هر چند که نیروهای عراقی را خیلی خوب ترسانند. رمضانعلی قربانی از همان هاست که پس از تمام شدن جنگ به خانه برگشت تا دو سال از عمرش را در اردوگاه عراقیها سپری کند و حالا در آستانه میانسالی و به بهانه بیست و شش مرداد که به نام روز بازگشت آزادگان نامگذاری شده، خاطراتش را مرور می کند. با آن لهجه شیرین ترتبی گاهی می خندد و گاهی با یادآوری ها، غمگین می شود یا اشک می ریزد اما او از تمام سختی هایی که کشیده، راضی است و همه را امتحان الهی می داند.

یادآوری نام محل اسارتش برای من یادآور خاطرات خدمت سربازی ام در سال ۱۳۸۲ است و همین داستانش را برایم جذاب تر و شنیدنی تر می کند.

سربازی که اسیر شد

قربانی، متولد بهار ۱۳۴۶ از روستای نسر تربت حیدریه به عنوان یک سرباز راهی جبهه های جنگ شد. ۲۱ ماه را جنگید و پایان خدمتش با پذیرش قطعنامه پیوند خورد اما ماجرای برایش پایان نیافت. خودش می گوید: سال ۶۷ در عملیات مرصاد در منطقه میمک (ایلام) در ارتش (گردان عمان) اسیر شدم در حالی که قطعنامه آتش بس امضا شده بود، مادر نقطه صفر مرزی بودیم (تپه شهدا منطقه میمک) که نیروهای بعثی صدام ناجوانمردانه به مناطق غرب کشور حمله کردند و ما را هم همان جا به اسارت بردند.

یک هفته قبل در منطقه اعلامیه پخش کرده بودند که ما به زودی حمله می کنیم و باید تسلیم شوید. این جمله را می گوید و ادامه می دهد: با وجود اینکه دشمن با تمام تجهیزات و پشتیبانی خارجی ها حمله می کرد اما غیرت ایرانی اجازه نمی داد که آنها به هدفشان برسند. نیروها و تجهیزات ما بسیار کم بود و باتمام وجود مقاومت کردیم ولی متأسفانه دشمن وارد خاک ما شده بود و از مناطق خاص کیلومترها جلو پیش روی کرده بود.

به جای پابوسی کربلا از اردوگاه عراقی ها سر در آوردیم

به یاد ساعات و لحظات اسارتش که می افتد غمی در چهره اش می نشیند: واقعا وضعیت عجیبی بود. مادر محاصره دشمن بودیم. فرمانده ما را جمع کرد و موقعیت را برایمان توضیح داد. گفت چاره ای نداریم جز اینکه به گروه های کوچکتر تقسیم شویم و به طرف شهر صالح آباد حرکت کنیم. هر کس باید فرمانده خودش می شد. به سمت آن شهر راه افتادیم اما خیلی زود در حلقه اسارت عراقی ها بودیم. همیشه آرزویمان رفتن به عراق و پابوسی مرقد امام حسین (ع) بود. سال شصت و هفت به عراق رفتیم ولی نه به کربلا بلکه به سوله ای در شهر بعقوبه که یک محوطه مخروبه بود و بعضی ها اسمش را اردوگاه شماره هجده گذاشته بودند و حدود هزار و هشتصد نفر اسیر را در آنجا نگهداری می کردند. قربانی از روزهایی می گوید که بین امید و ناامیدی سپری



66

خانواده‌ام از من بی خبر بودند

زمانی که ما در عراق اسارت می‌کشیدیم هیچ اطلاعاتی از ما در بین خانواده‌هایمان وجود نداشت. من مفقود بودم و دو سال خانواده‌ام در بی‌خبری از من زندگی کردند. روزی که آزاد شدم، یک هفته در تهران قرنطینه بودیم و آنجا از زنده بودن و بازگشت من خبردار شدند. دیدن خانواده‌ام بعد از دو سال بسیار لذت‌بخش بود. اول بی‌اختیار خودم را در آغوش پدرم انداختم. آن روز یکی از بهترین لحظات زندگی‌م بود. شاید خیلی بیشتر از من به پدرم سخت گذشت که نمی‌دانست جگر گوشه‌اش کجاست. وقتی به روستایمان رسیدم اول به سر مزار مادرم رفتم و حسایی با او دردل کردم. مادرم را خیلی دوست داشتم او را زمانی که در ایران بودم از دست داده بودم. رفتم که شیرینی این آزادی را با او تقسیم کنم خدارحمش کند.

اسلحه‌ام آچارم است

بعد از اسارت به استخدام سازمان بهزیستی در آمد و سال‌هاست در آسایشگاه فیاض‌بخش افتخار خدمت به معلولان را دارد. خودش با غرور می‌گوید: سال‌هاست در سنگری دیگر خدمت می‌کنم. شغلم در اینجا خدمت در بخش تاسیسات است یعنی حالا اسلحه‌ام آچارم است. هر کس در آسایشگاه مشغول به خدمت هست قطعاً توفیقی دارد که خداوند نصیبش کرده‌است. خدمت به این فرشته‌ها عین عبادت است به شرط اینکه باور داشته باشیم.

خیرین همیشه حضور دارند

یادم هست در دوران دفاع مقدس خیرین و نیکو کاران زیادی بودند که از اموال خود برای سربازان اسلام و امورات جنگ انفاق می‌کردند و کمک‌های آنها سهم بسیار زیادی در پیروزی کشور داشت. این روزها از اینکه می‌بینم خیرین در این موسسه هیئت امنایی کنار فرزندان معلول هستند، احساس بسیار خوبی دارم. چه در زمان جنگ و چه صلح خیرین همیشه حضور پررنگ دارند.

جهان معلول ساز

اثر حاضر در راستای تدوین تاریخ معلولیت، جامعه شناسی معلولیت و اخلاق معلولیت شکل گرفته است. این کتاب اولین اثر در زمینه اخلاق معلولیت در ایران می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی آن مطالعه موردی و

عینی نگارنده به دلیل داشتن فرزندی به نام امیرعلی با معلولیت مادرزادی شدید است که در آن نویسنده در تلاش است تجارب و دانش خود را به دیگران انتقال و با بومی‌سازی آن‌ها راه نویسی در این زمینه مطرح نماید.

از مهم‌ترین بخش‌های این اثر می‌توان به فصل مطالعات جدید معلولیت و بازتولید اخلاق معلولیت اشاره کرد.



از یک میلیارد نفر است. شاید در نگاه اول، شمار ۱۲ میلیون جمعیت معلول در ایران یا رقم ۱ میلیارد جمعیت معلول در دنیا باورپذیر نباشد، اما نباید انتظار داشته باشیم همه این افراد دارای معلولیت‌های جسمی حرکتی یا معلولیت‌های آشکار و شدید باشند. اگر همه گونه‌های معلولیت همراه با طیف وسیع و متنوع در درون آنها را در نظر بگیریم، آن وقت از شنیدن آمار معلولان تعجب نخواهیم کرد. گونه‌های معلولیت در یک تقسیم ساده دست کم شش دسته است:

اول: «معلولیت بینایی» که از تاری دید آغاز می‌شود و کور رنگی، شب کوری و انواع اختلالات دیگر را در برمی‌گیرد و به نایبایی کامل می‌رسد.

دوم: «معلولیت شنوایی» که از اختلالات شنوایی و کم شنوایی آغاز می‌شود و تا ناشنوایی کامل به پیش می‌رود.

سوم: «معلولیت جسمی- حرکتی» یا فیزیکی که از اختلالات ساده حرکتی و رشدی، حتی اندازه کوتاه یا بلند قد و اندازه کوتاه انگشتان، آغاز می‌شود و تا فلج پیشرفته و گسترده مغزی پیش می‌رود.

چهارم: «معلولیت شناختی و یادگیری» که همه انواع اختلالات ذهنی و گفتاری را در برمی‌گیرد.

پنجم: «معلولیت طیف اوتیسم» که به معنای معلولیت ارتباطی است

ششم: «معلولیت هیجانی» که به معنای اختلالات در ابراز و کنترل احساسات و عواطف است.

در ایران «مطالعات معلولیت» با رویکرد فلسفی- اجتماعی بسیار نوظاست. کتاب درآمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه‌شناختی ترجمه چهار مقاله در باب معلولیت از سوی نگین حسینی به همت انتشارات سیمای شرق منتشر شده است. عنوان مقالات چنین‌اند: «مطالعات جهانی معلولیت»، «مطالعات جامعه‌شناختی معلولیت»، «جامعه‌شناسی معلولیت»، «ظریه پردازی معلولیت». اثر دیگر کتاب تألیفی جامعه‌شناسی معلولیت نوشته خدیجه جلی است که از سوی انتشارات علمی است. اثر آخر که نسبتاً اثر مفصل تری است. کتاب الکترونیکی جسمیت و قدرت: مباحثی در معلولیت و تحول اجتماعی نوشته سعید سبزیان منتشر شده، از سوی آموزشکده آنلاین توانا در سال ۲۰۱۵ است. مقاله «یک دهه با اخلاق پست مدرن معلولیت» به قلم من در نشریه نقد کتاب اخلاق، شماره ۵ اثر دیگری است که در مطالعات معلولیت نوشته شده است. کاملاً آشکار است که جای آثار فارسی که مطالعات معلولیت با تأکید بر اخلاق معلولیت را عرضه و تحلیل و بررسی کند بسیار خالی است. این اثر مختصر را برای پاسخ به این نیاز در جامعه ایران تقدیم می‌کنم و از مدیر محترم دفتر فرهنگ معلولین و انتشارات توانمندان آقای محمد نوری و نیز آقای علنوری برای انتشار این اثر سپاسگزار می‌باشم.

*برخی از افراد دارای دو یا چند معلولیت باشد که به این افراد چندمعلولیتی گفته می‌شود.

پیش از آنکه صاحب فرزندی معلول شوم، هرگز به معلولیت فکر نکرده بودم. «معلولیت» و «معلولان» را از خودم بسیار دور می‌دانستم، گویا من در مسیری از زندگی قدم برمی‌دارم و معلولان در مسیر دیگری و ما هرگز به هم نمی‌رسیم. اما به هم رسیدیم در کمال ناباوری! الان می‌توانم بگویم که تولد امیرعلی، تاریکی‌های فکرم را روشن کرد. با بزرگ شدن امیرعلی، این نیاز در درونم پیدا شد که برای بردن امیرعلی به اجتماع، به یک الگو نیاز دارم. الگوی فلسفی- اجتماعی، که به من و اطرافیانم یاد بدهد که چه بینشی از او و در ارتباط با او داشته باشیم. پرسش من این است که «نگاه من و همه کسانی که به نوعی با ما ارتباط دارند، به امیرعلی چیست و این نگاه چه تغییری باید بکند تا زندگی امیرعلی و زندگی من و زندگی آنها بهتر شود؟» حتی اگر نه معلول باشیم و نه فرزند یا خویشاوند، دوست، و یا همکار معلول داشته باشیم، باز لازم است در ارتباط با معلولیت آگاهی پیدا کنیم. نه فقط برای اینکه با معلولان در یک اجتماع زندگی می‌کنیم و این مواجهه به درک و شناخت نیاز دارد، بلکه به این خاطر که درک و آگاهی ما از ذهن و بدن خودمان عموماً فقط شامل تجربه‌های «سلامتی، توانایی، خوشی و لذت» است، حال آنکه لازم است آگاهی و بینشی از «ضعف ذهن و بدن» هم به دست آوریم. ضروری است درباره عذاب بدنی، بیماری، محدودیت و از کارافتادگی نیز به طور کامل بدانیم. معمولاً تجربه‌های شادی هستند که به خوبی می‌توانند توصیف شوند و دست به دست شوند. اما تجربه‌های رنج و عذاب چندان قابل توصیف و ابلاغ نیستند. از این جهت ما درباره رنج بدنی کمتر از راحتی بدنی چیزی می‌دانیم و تجربه‌ای داریم. ولی چون رنج و دردهای جسمی هم به‌سراغ ما خواهند آمد، ضروری است درباره‌شان از پیش آگاهی پیدا کرده باشیم.

یک چیز هست که ناگزیر در زندگی همه ما پیش می‌آید و آن «سالخوردگی» است. در زمانی دیگر، از زندگی‌مان که سالخورده می‌شویم، احتمال بروز از کارافتادگی‌ها و ناتوانی‌ها در ذهن و بدنمان زیاد است. همین‌طور چیزی هست که امکان دارد هر لحظه در زندگی هر یک از ما پیش آید و آن «حادثه» است. هر یک از ما اگر اکنون خود معلول نباشیم، به صورت بالقوه امکان معلولیت داریم چرا که حوادث در زندگی ما غیر قابل پیش‌بینی هستند. این درک از معلولیت با در نظر گرفتن «بالموگی معلولیت» و «دوره گریزناپذیر پیری» که معلولیت را بسیار نزدیک به ما فرض می‌کند، این بینش جدید را در ما ایجاد می‌کند که معلولان «دیگری» نیستند؛ معلولان در واقع «خود ما» هستیم، معلول خود ما هستیم. به شکل بالقوه و احتمالاً در آینده به وقت سالمندی، وقتی از معلولیت و معلولان حرف می‌زنیم، درباره تعداد کمی و بلچر نشین حرف نمی‌زنیم، بلکه درباره شمار زیادی از انسان‌ها سخن می‌گوییم. بنا به گزارش سازمان بهداشت جهانی، پانزده درصد از جمعیت هر کشوری معلول هستند. در ایران این جمعیت هم اکنون به دوازده میلیون می‌رسد و در دنیا آمار معلولان

دوستی ها ماندگارند حتی اگر کنار هم نباشیم

خبرهایی از بهشت کوچک فیاض بخش

این صفحات تنها گوشه ای از مهربانی و لطف دوستان و نیکو کاران عزیز و بازتاب خدماتی که به پشتوانه حمایت شما در این خانه انجام می شود. اخبار کامل را در فضای مجازی دنبال کنید.

 fayyazbakhshcharity

 www.fbrc.ir

اوقات خوش آن بود که با دوست به سرشد
باقی همه بی حاصلی و بی خبری بود

روز مشارکت و تشکل های اجتماعی

معاون موسسه با اهدای گل از تلاش های کارکنان واحد و دفتر مشارکتها در حوزه نگهداشت، جذب و تکریم خیرین، تشکر و قدردانی کرد. هزینه های آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش به عنوان یک نهاد خیریه با مشارکت همدلانه مردم مهربان سراسر کشور به ویژه شهروندان عزیز تامین می شود. قدردان محبت های ارزشمند آنان هستیم.



مهمانی از جنس ورزش

وحیده کلاهی ریاست کمیته TRX باتوان استان خراسان زیر نظر هیات ورزش های همگانی استان در آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش حضور پیدا کرد و با تقدیم هدایایی برای فرزندان این خانه، همراهی و همدلی خود را در شرایط قرنطینه کروناپی، با اهالی فیاض بخش اعلام کرد.



جشن عید غدیر

بنیان نیکوکار در پذیرایی و فراهم آوردن فضای شور و شادمانی کم نگذاشتند. صدای هلهله و مولودی خوانی اهالی این خانه به همراه دعاهای خالص شان در هفت آسمان پیچید و بدرقه و روانه نیات پاک خیرین گردید. گفتنی است به بهانه دهه امامت، دهه شادمانی در کنار برنامه های متنوع و سرگرم کننده، تبریک سالروز تولد مددیاران دل سوز و کارکنان زحمتکش و همچنین فرزندان عزیز این خانه که متولد این روزهای با برکت بودند، فضای همدلانه بهشت کوچک فیاض بخش را زیباتر و انگیزه را برای حرکت و کار و تلاش دوچندان نمود.



تجلیل از آزاده ای سرافراز

رمضانعلی قربانی از آزادگان سرافراز هشت سال دفاع مقدس است. وی هم اکنون در بخش تاسیسات آسایشگاه شهید فیاض بخش در حال انجام وظیفه است. به مناسبت سالروز بازگشت آزادگان عزیز به میهن با حضور مدیرعامل و مسئولان موسسه به نشان قدردانی از صبوری و مقاومت رزمندگان در دوران اسارت و همچنین این عزیز بزرگوار، قدردانی گردید. (مصاحبه کامل در همین شماره)



قدردانی از همراهی خالصانه شهرداری

روابط عمومی موسسه به نمایندگی از اهالی بهشت کوچک فیاض بخش در شهرداری مشهد حضور پیدا نمودند و از همکاری های مدیریت و کارکنان روابط عمومی شهرداری مشهد تشکر کردند.



روز پزشک بهانه ای برای خدایقوت گویی به کادر درمان

یکم شهریوربه مناسبت روز پزشک از زحمات بی دریغ پزشکان افتخاری از جمله دکتر صالح پور و پزشک مقیم مرکز دکتر سیدحمید مجیدی ایوری با حضور قائم مقام موسسه و جمعی از مسئولان و پرستاران قدردانی گردید. در این روز نیز فرصتی پیش آمد تا با عادی شدن نسبی شرایط کروناپی و فضای باز با رعایت نکات بهداشتی از کادر پرتوان گفتاردرمانی و فیزیوتراپی و پزشک داروخانه تشکر گردد.



افتتاح بیمارستان ناظران گامی بلند و افتخار آمیز برای حمایت و درمان بیماران سرطانی

روزنامه خراسان - تاریخ ۹۹/۷/۹

بزرگترین بیمارستان بیمارستان سرطانی شمال شرق کشور

رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان رضوی با اشاره به زیبایی ساختمان بیمارستان ناظران گفت: این ساختمان یکی از شاهکارهای هنر معماری نوین ایرانی است که با کمک خیرخواهانه و سلیقه افراد نیکو کار انجمن خیریه بیماران سرطانی مشهد که توسط مهندسین شهرمان طراحی و ساخته شده، جای بسی قدردانی و تشکر دارد و باید بگویم که ساخت و سازها در وضعیت اقتصادی کنونی در حوزه سلامت کار آسانی نیست و در اینجا باید بابت اراده و پشتکار قوی خادمان مردم در انجمن خیریه حمایت بیماران سرطانی مشهد و دست اندر کاران این انجمن تبریک بگویم، این باتیان خیر خدمات شایسته‌ای به بیماران سرطانی و سایر بیماران انجام می دهند دست مریزاد بگویم.



ساخت بیمارستان ناظران بدون کمک دولت

رئیس هیئت مدیره انجمن حمایت از بیماران سرطانی در مورد بیمارستان ناظران گفت: پروژه بیمارستان ۱۹۸ تختخوابی عباس ناظران در خرداد ماه سال ۱۳۹۴ در زمینی به مساحت ۱۸ هزار مترمربع و با زیر بنای ۲۹ هزار مترمربع در پنج طبقه آغاز شد که هم اینک ساخت این پروژه بزرگ در مرحله پایانی قرار گرفته است. مهندس حمید مستشاری افزود: در حال حاضر هزار و صد میلیارد ریال صرف هزینه ساختمان بیمارستان ناظران شده که بدون کمک‌های دولت توسط

خیرین مشهدی و اعضای انجمن حمایت از بیماران سرطانی مشهد تامین و پرداخت شده است. وی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای تأمین تجهیزات لازم بیمارستان تقاضای کمک کرد و گفت: در امر راه اندازی، درمان و آموزش بیمارستان ناظران بدون حمایت و دانشگاه امکان پذیر نیست.

خدمات به بیماران با تعرفه خیر به

مهندس مستشاری تصریح کرد: آن چیزی که خواسته خیرین و اعضای هیئت امنای انجمن است باید تعرفه بیمارستان ناظران که با پول خیرین ساخته شده با نرخ تعرفه خیریه انجام شود. وی ادامه داد: مرکز رادیو تراپی و آنکولوژی (رضاع) وابسته به انجمن از بدو فعالیت تا کنون با تعرفه دولت اقدام به پذیرش و درمان بیماران نموده و حتی هزینه بیماران سرطانی نیازمند و مستضعف را از محل کمک‌های خیرخواهانه مردم پرداخت نموده است. وی اظهار امیدواری کرد: در آبان ماه سال جاری با حمایت دانشگاه در مرحله نخست بیمارستان ناظران با دو اتاق عمل و هفتاد و پنج تخت رسماً پذیرش بیمار خواهد کرد و بتدریج بخش‌های مردان، زنان و کودکان به بهره برداری می رسد. بیمارستان ناظران شاهکار معماری نوین ایرانی است که توسط نیکو کاران گرانقدر برای درمان و حمایت از بیماران سرطانی در منطقه غرب مشهد ساخته شده است. جای مباحثات و افتخار است که مهندس رضا حمیدی ریاست هیأت امنای آسایشگاه شهید فیاض بخش و چند تن از اعضای هیات مدیره آسایشگاه از جمله مهندس حمید مستشاری از حامیان و باتیان اصلی ساخت بیمارستان ناظران و هیئت مدیره آن می باشند.



تقدیر از مدافع سلامت

در چهلمین سالگشت حماسه دفاع مقدس و چهلمین سال تاسیس سازمان بهزیستی در مراسمی که به همین منظور برگزار گردید از تلاش، همت و فداکاری‌های دکتر حمید مجیدی مسئول فنی موسسه شهید فیاض بخش مشهد در درمان و امداد رسانی به معلولین عزیز با اهدای لوح یادبود قدردانی گردید.



سمفونی سکوت

قطعا روز هایی که به نام معلولین عزیز نام گذاری شده است تبریک نداشت ولی می تواند یادآوری و تلنگری به ما باشد که بیشتر به فکر این قشر از جامعه باشیم. مشکلاتشان را درک کنیم و صدایشان را بشنومیم حتی اگر گوشه‌ای برای شنیدن نداشته باشند. ۸ مهر روز جهانی ناشنوا را بهانه کردیم تا با هدیه‌ای از ناشنوا عزیز این خانه علیرضا میکائیلی به خاطر همت و فعالیت های ارزنده‌ای که در کارگاه اشتغال دارد (خیاطی) تقدیر نماییم.

محرمی متفاوت

با فرا رسیدن ماه محرم آسایشگاه شهید فیاض بخش، سیاه پوش و غرق در ماتم و عزاشد. در این مراسم که به صورت زنده مهمان خانه های عاشقان حسینی بود، مداحان اهل بیت به ذکر مصیبت پرداختند و فرزندان بهشت کوچک فیاض بخش با سینه زنی و سوگوازی برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران با وفایش به نیابت از نیکو کاران دعای زیارت عاشورا خواندند. گفتنی است این مراسم هر سال در مسجد امام هادی موسسه برگزار می شد که امسال با توجه به پروتکل بهداشتی در فضای باز باشکوه هر چه تمام بر گزار گردید (گزارش کامل در همین شماره)



تردد معلولان دغدغه مدیران شهری

معاون و قائم مقام موسسه به همراه جمعی از مسئولان موسسه در شرکت اتوبوس رانی مشهد حضور یافتند و از حسن همراهی دکتر سعید حسینی زاده مقدم، مدیرعامل این شرکت و همکاران شان تقدیر و تشکر کردند. شرکت اتوبوس رانی مشهد پیرو مصوبه شورای شهر مشهد با اهدای یک دستگاه اتوبوس مناسب سازی شده به آسایشگاه شهید فیاض بخش، سهم موثر و بسزایی در تردد فرزندان عزیز این خانه ایفا کرد.



معاون پدافند غیرعامل در آسایشگاه

به مناسبت هفته دفاع مقدس مهندس طرزی معاون سازمان پدافند غیرعامل کشور به همراه جمعی از مسئولین و کارشناسان این سازمان با حضور و با بازدید از طرح های پدافند غیرعامل در این موسسه نظیر آبرسانی، اصول فنی حفاظت ذخیره و کلر زدایی را مطلوب ارزیابی نمود و از اقدامات انجام شده تشکر و قدردانی کرد. دکتر کاظم زاده مدیر بحران و پدافند غیرعامل بهزیستی کشور نیز راه اندازی و پیشبرد سیستم غیرعامل مرکز را با توجه به حجم بالای مصرف آب را یک امر ضروری دانست که باید با حساسیت ویژه ای به آن پرداخته شود و همچنین از مسئولیت های اجتماعی مسئولین موسسه در حوزه پیشگیری و مقابله با کرونا قدردانی نمود.

تعاملات فرهنگی

سید هادی فیاضی مدیرعامل موسسه فرهنگی شهر آرا در دیدار با مسئولین موسسه خیریه شهید فیاض بخش این مرکز را موسسه ای قابل اعتماد و خوشنام در کشور دانست که با خدمات مطلوب و ویژه در خدمت معلولین عزیز می باشد. وی همکاری با بزرگترین مرکز توانبخشی معلولین جسمی حرکتی کشور را در راستای مسئولیت خطیر اجتماعی و اخلاق رسانه ای، افتخار خود و مجموعه همکاران شهر آرا دانست. مدیرعامل شهر آرا آمادگی خود را نیز برای همکاری در حوزه های مختلف فرهنگی با آسایشگاه شهید فیاض بخش اعلام کرد.

سید محمد مهدی حسینی معاون موسسه با ارائه گزارشی از خدمات، فعالیت ها، موفقیت های مدجویان و همچنین مشکلات و چالش های پیش رو، به وضعیت بهداشت و اقدامات انجام شده برای پیشگیری و مقابله با کرونا پرداخت.



یاوران در کرونا هم هستند

مدت هاست به خاطر کرونا فعالیتهای یآوری در کنار بازدیدها و ملاقاتها در موسسه خیریه شهید فیاض بخش تعطیل است. اما عده ای از یاوران برای کمک به نیروهای زحمتکش خدمات به این خانه می آیند تا به آنها در ضد عفونی کردن بخش های مختلف کمک کنند. آنها می گویند واقعا دلتنگ این خانه و اهالی باصفای آن هستیم اگر به ما اجازه دهند در این شرایط هم برای کمک و خدمت رسانی می آیم



یک روز زندگی

زیبا پارسای نسب



مرضیه عاشوری هستم مسنول و سرپرستار بخش زنان، از طریق یکی از همکاران قدیمی ام وارد موسسه شدم. با توجه به شناختی که ایشان از کار بنده در بیمارستان داشتند و همچنین نیاز آن زمان مرکز به پرستار، اینجا را به من پیشنهاد کردند و حدود دوازده سال است که مشغول به کار شدم.

من از همان روزهای اولی که پا به اینجا گذاشتم حس خوبی به نوع کار در اینجا داشتم، شاید باورتان نشود همان ماه اول اینقدر دلبسته مددجویان شدم که شیفت‌های اینجا را با شوق بیشتری نسبت به بیمارستان می‌آمدم و هنوز هم، نه تنها آن احساس خوب در من کم نشده، بلکه هر چه قدر می‌گذرد عشق به کار و عشق به مددجویان در من بیشتر می‌شود.



من کارم را دوست دارم و به مددجویان، همکارانم، پرسنل مجموعه ام عادت کردم و حتی روزهایی که سرم شلوغ تر است و احساس می‌کنم مفیدتر و موثرتر بودم احساس بهتری دارم. دو فرزند دارم. دخترم بیست سال و پسرم هجده سال دارد. اوایل زندگی و اوایل شروع کارم شاید چون همسرم کارش آزاد بود مشکلاتی داشتم. شرایط کاری مثل شیفت‌های شلوغ و پشت سر هم.. شاید خیلی من را درک نمی‌کردند و گاهی با همکاری نکردن و غرزدن اعتراض‌ها را نشان می‌داد (با خنده) و من سعی کردم طوری در انجام کارهای خانه و وظایف مربوط به خانه داری و بچه داری عمل کنم که به قولی بهانه دست همسرم ندهم تا مشکل کمتری داشته باشیم، یعنی از تفریحات خودم به خاطر کارم گذشتم تا کم همسرم با کارم کنار آمد و شرایط شغلی من را قبول کرد و بیشتر از قبل همکاری کرد و حتی گاهی غذا می‌پخت و یک وقت‌هایی هم به بچه‌ها می‌رسید به هر حال بچه‌ها بزرگ شدند و مشکلات هم کمتر...



بعد از مدتی همسرم و بچه‌ها و حتی پدر و مادر و خواهر و برادرهایم در مورد کار آسایشگاه همیشه نظرشان مثبت بود و مشوقم بودند، طوری که زمانی که به خاطر فشار کاری می‌خواستم کارم را کم کنم و بین کار آسایشگاه و بیمارستان یکی را انتخاب کنم همه با موسسه شهید فیاض بخش موافق بودند و چون آن زمان در انتخاب مردد و دودل شده بودم من را در انتخاب کمک کردند و تصمیم‌گیری را برایم راحت‌تر کردند. از این خانه خاطرات زیادی دارم در این چند سال روزهای زیادی بودند که وقایع خوب و بدی پیش آمده، ولی کلی بگویم وقایعی مثل ازدواج مددجویان و جشن‌های عروسی‌شان از خاطرات به یادماندنی است که با اشتیاق به یاد دارم و هنوز برایم لذت بخش است و بیماری و بعضاً فوت مددجوها خاطره‌های بدی هستند که از به یاد آوردن آن متأثر می‌شوم.

و اما کرونا که واقعا کادر درمان، خستگی‌ناپذیر برای حفظ سلامت فرزندان معلول عزیزمان با آن مقابله کردند بخش زنان در دوران کرونا مانند بخش‌های دیگر متفاوت از گذشته است. فعالیت و کارهای پرسنل بیشتر از قبل شده است. پروتکل‌های بهداشتی بیشتر از همیشه رعایت می‌شود و نگرانی و ترس پرسنل و مددجویان از ابتلا به این بیماری باعث شده توجه‌شان به رعایت مسائل و قوانین بهداشتی بیشتر از قبل باشد. این دوران برای مددجوها هم می‌گذرد دوری از خانواده و ممنوعیت ملاقات با خانواده و دوستان و ممنوعیت رفت و آمد به بیرون از مرکز، تحمل شرایط موجود را سخت‌تر کرده است. البته یک سری تمهیداتی مانند رفتن مددجویان به کارگاه‌های مرکز و انجام ورزش‌های صبحگاهی و بردن آنها به اردوهای تفریحی البته به رعایت مسائل بهداشتی در این دوران یک مقصداری از فشار روانی کم کرده است. ما پرسنل زنان در کنار بخش‌های درمان، مددکاری، روانشناسی و توانبخشی با هدف مشترک که همان رضایت و سلامت جسمی و روحی فرزندان این خانه است سعی و تلاش مان نسبت به قبل مضاعف شده است تا به امید خدا با تعامل و همکاری به اهدافمان برسیم و انشا... کرونا را شکست دهیم.

کوچ مرغ سحر



عاشقانه‌های این پاییز، به کوچ مرغ سحر، غم‌انگیز شد... همان که فرزندان این خانه، افطارهای ماه خدا را به نوای ربنایش، جشن می‌گیرند و لحظات تنهایی و دل‌تنگی‌شان را با آوازهای آسمانی او به سر می‌برند. اکنون ماهم در کنار دیگر عاشقان فرهنگ و هنر این مرز و بوم، سوگواریم و دلگرمیم که فرزند خلف او، همایون شجریان، راه پرافتخار پدر را به شایستگی ادامه می‌دهد. استاد محمدرضا شجریان، یکی از بنیانگذاران موسیقی اصیل ایرانی بود. سال‌ها آثار فاخر و ماندگار آن مرحوم، مهمان سفره‌های افطار و نوروزمان و سرودهای زیبا و باشکوه‌وی همچون «ایران ای سرای امید» همواره طلایه دار روحیه همگرایی و امید بوده است. شجریان تکرار گذشته نبود. او مبدع گذشته بوده؛ لذا تصنیف او امروزی و تازه است؛ و این تنها از کسی بر می‌آید که تار و پود هنر قدیم را درک کرده باشد و توانایی دمیدن جان تازه بر آن را داشته باشد. وی در بداهه خوانی و اجرای آواز با هر ردیف و کوکی توانایی بی‌بدیلی از خود نشان می‌داد و آن چنان با گروه کار می‌کرد که به زعم بسیاری از موسیقی‌دانان امکان نوازندگی را بهتر از نوازنده می‌فهمید و آنان را به سوی خود می‌کشاند. او به معنای واقعی هنرمند بود که موقعیت ارجمند و حرمت هنر را می‌دانست. از این رو با تکیه بر حرمت هنر قامت راست کرد. او خود را فرزند ایران می‌دانست و صدای خود را جزئی از فرهنگ کهن ایران که می‌خواهد به مردم جهان یاد آور شود که ما دارای فرهنگ انسانی، فرهنگ عشق و صفا هستیم و پیامی جز دوستی، عشق و زندگی برای مردم نداریم. وی در کودکی تحت تعلیم پدرش مهدی شجریان قاری برجسته مشهد بود و به پاسداشت آن، مجموعه تلاوت‌های قرآن خود را به نام «به یاد پدر» و به یادبود وی منتشر کرده است.



ترمز ویلچرها در اماکن گردشگری و میراث فرهنگی!

احمد فیاض / خبرنگار قدس آنلاین

مشکلات بی شمار و موانع عمده به ویژه در حوزه دسترس بودن و مناسب سازی اماکن گردشگری و میراث فرهنگی در استان پر جاذبه خراسان رضوی باعث شده تا جامعه معزز معلولان استان عطای گردشگری را به لقایش بخشیده و علیرغم اهمیت گردشگری در جهت اعتلای روحی و روانی توتیابان، سهم حداقلی و بلکه هیچ داشته باشند.

از سال ۱۹۸۰؛ سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد سالانه روز ۲۷ سپتامبر (ششم مهر) را به عنوان روز جهانی گردشگری جشن گرفته، و این روز به عنوان روز جهانی گردشگری به ثبت رسیده است. از جمله اهداف ثبت جهانی این روز می توان به بالا بردن سطح آگاهی همگانی در مورد نقش گردشگری در جامعه جهانی و نشان دادن چگونگی تاثیر گردشگری بر ارزش های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در سراسر جهان اشاره کرد.

در عین حال علیرغم نیاز مبرم جامعه معلولان و حق اولیه شان در بهره مندی از مواهب گردشگری اما متأسفانه موانع بی شماری پیش روی آنان در جهت دسترسی سهل و آسان به اماکن گردشگری و میراث فرهنگی وجود دارد و به همین دلیل اغلب این عزیزان سهم ناچیزی از گردشگری را به خود اختصاص داده اند. شاید بطور خلاصه گفت که سهم معلولان از گردشگری تنها چرخش ویلچرها در فضای آسایشگاهی و اقامتگاهی مانند منازل مسکونی است و دیگر هیچ!

مسئول روابط عمومی آسایشگاه شهید فیاض بخش مشهد در همین ارتباط در گفت و گو با خبرنگار ما اظهار کرد: همین سال گذشته به مناسبت روز جهانی گردشگری تصمیم گرفته شد تا اردوی یک روزه ای به منظور بازدید از اماکن گردشگری و تاریخی و میراث فرهنگی داشته باشیم و شوق و ذوق توان یابان و صف ناشدنی بود اما پس از رسیدن به این اماکن از این اردو

پشیمان شدیم. سیده حشمت نبوی خاطر نشان کرد: به عنوان مثال آرامگاه فردوسی یکی از جاذبه های مشهور نه تنها ایران بلکه دنیاست اما رفتن کنار مقبره این شاعر نامی و بازدید از موزه هیچ رمپ یا بالابری برای بهره مندی معلولان در نظر گرفته نشده، که حقیقتاً جای تعجب دارد. به طور طبیعی کسانی که ویلچر سوار هستند، توانایی ورود به طبقه زیرین آرامگاه فردوسی را نداشتند و به سختی بخشی از معلولان غیر ویلچرنشین را با همیاری شهروندان توانستیم به کنار مقبره هدایت نماییم که حال برخی از این توان خواهان بهم خورد.

وی افزود: لاجرم تنها به گشت و گذاری در محوطه باغ فردوسی بسنده شد. البته تردد در همان فضای باز آرامگاه فردوسی نیز به دشواری صورت گرفت چرا که با سنگ فرش هایی مغروش شده که حرکت ویلچر را با مشکل روبرو می کند. به عبارتی یک رمپ اختصاصی ویژه معلولان که از سطح روانی برخوردار باشد در این مکان تاریخی پیش بینی نشده است.

نبوی تصریح کرد: در ادامه تصمیم گرفته شد تا از باغ مینیاتوری که جدیداً تأسیس است بازدید داشته باشیم. از دیدن رمپ ها خوشحال شدیم و تصور بر این بود که وارد یک فضای استاندارد برای بهره مندی از معلولان شده، اما باز هم با همان سنگ فرش های صعب العبور روبرو شدیم که مانع تردد ویلچرها می شد. خلاصه آنکه روز جهانی گردشگری بدون بهره مندی از مواهب گردشگری به آسایشگاه مراجعت نمودیم. وی با اشاره به بحث دسترس پذیری کردن و مناسب سازی شدن اماکن عمومی برای معلولان افزود: یکی دو ماه دیگر روز جهانی معلولان است و مسئولان و مدیران بهتر است در گزارش کار خود اقدامات اساسی و بهینه سازی محیط شهری برای تردد سهل و آسان معلولان را ارائه نمایند و نوید بخش باشند. شعار برای معلولان گردشگری نمی شود.

سرویس های بهداشتی، میز و صندلی ها، محل خواب مسافران معلول از جمله مواردی است که باید مورد توجه ذی نفعان گردشگری قرار گیرد. علاوه بر این مشکلات تردد تا رسیدن به مقصد گردشگری مناسب سازی نیز اهمیت دارد. آیا تمام اقامت گاه های بین راهی برای معلولان مناسب سازی شده است؟

حمید مولایی که خود چند سال قبل طی ساحت رانندگی دچار معلولیت شده، خاطر نشان کرد: شاید به علت معلول شدن خود و درک شرایط سخت و دشوار معلولان باعث شد تا اقدام به تاسیس یک اقامتگاه بوم گردی مخصوص معلولان بگیرم. متأسفانه هیچ نگاه حمایتی در این زمینه وجود ندارد و ساخت و تجهیز و مناسب سازی همین اقامتگاه نیز با دشواری های بسیاری مواجه شد که از حوصله بحث خارج است.

این فعال گردشگری معلول افزود: ناگفته نماند که مناسب سازی لزوماً به معنای بهره مندی معلولان جامعه نیست بلکه حتی سالمندان و زنان باردار و ... را نیز در بر می گیرد.

معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی درباره موانع موجود گردشگری معلولان در استان نیز به خبرنگار ما گفت: بدون تردید خراسان رضوی یکی از مقاصد عمده گردشگری کشور است و اهمیت این استان در بخش گردشگری بر کسی پوشیده نیست.

کمیته هایی تحت عنوان مناسب سازی در دستگاه های اجرایی وجود دارد اما باید اعتراف کرد اغلب اماکن گردشگری و تفریحی و میراث فرهنگی برای معلولان مناسب سازی نشده است. البته باید توجه داشت که به ویژه در میراث فرهنگی اغلب اماکن از گذشته طراحی و پیاده سازی شده با معماری های خاص خودشان و آن برهه شاید مباحث نو و جدی مانند دسترس پذیر بودن برای معلولان مطرح نبوده است.

مرجان اکبری خاطر نشان کرد: البته حالا ضرورت بروز شدن این مکان های گردشگری به نفع معلولان و چرخه تنعم توانخواهان، روشن است و این مستلزم نگاه ویژه و تخصصی است. در برخی از اماکن تاریخی و میراث فرهنگی مانند خانه ملک امکان مناسب سازی شدن به لحاظ موارد تخصصی وجود ندارد. جدای از آن امکانات سخت افزاری و نرم افزاری می طلبد که یک شبه میسر نیست و زمانبر است.

وی افزود: البته در پناه مطالبات انجمن های معلولان و سمن ها و تشکل های توانخواهان اقدامات خوبی نیز صورت گرفته مانند آرامگاه خیام کاملاً مناسب سازی شده است.

اکبری در پاسخ به عدم مناسب سازی شدن آرامگاه فردوسی بیان کرد: کلیت آن تصویب شده و بر عهده شهرداری گذاشته شده است. بحث بر سر محل جانمایی بالا بر یا آسانسور مختص معلولان است و امیدواریم به زودی این اتفاق به نفع معلولان بیفتد.

عضو شبکه ملی تشکل های غیردولتی معلولان جسمی-حرکتی کشور نیز در گفتگو با خبرنگار ما با اشاره به تجربیات تلخ خود اظهار کرد: سال گذشته به اتفاق جمعی عازم آسبادهای نشتیفان خواب شدم. متأسفانه علیرغم رمپ های موجود بخاطر شن و ماسه های فراوان بکار گرفته شده، در عمل امکان تردد ویلچر فراهم نشد. تصور نمایم ۳۰۰ کیلومتر راه برای بازدید و گردشگری حرکت نمایم اما در انتها دست از پادراز تر مراجعت نمایم.

نسا خوش نیت افزود: این در حالی است که طبق قانون جامع حمایت از معلولان مصوب مجلس شورای اسلامی و ابلاغ ریاست جمهوری در فصل دو ماده دو به صراحت آمده است که کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها، موسسات و شرکت های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی و ... موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره مندی از آنها برای افراد معلولیت همچون سایر افراد فراهم شود.

وی خاطر نشان کرد: متأسفانه هیچ اراده جدی برای رفع موانع گردشگری به نفع معلولان نزد مسئولان و مدیران استان وجود ندارد و صرفاً شعار سر می دهند. هنوز شهر مشهد به لحاظ مناسب سازی و دسترس پذیر بودن برای معلولان دچار فقر مطلق است تا چه برسد به اماکن گردشگری و تفریحی و میراث فرهنگی!

ورودی های پارک ملت تنها یک رمپ اختصاص داده شده، در حالیکه برای خودم گاهی پیش آمده که با پارک یک خودرو جلوی همان رمپ مجبور شده با ویلچر تا ورودی دیگر مسافت بیشتری بپیمایم و گاهی حتی از ورود به پارک منصرف شوم. گرچه تقویت فرهنگ عمومی در رعایت حقوق معلولان اهمیت دارد اما نقش پلیس در جهت پارک شهروندان متخلف در محل پارک ویژه معلولان چه می شود؟ یا همین شهروندی که خودروی خود را جلوی رمپ ورودی پارک می کند؛ تکلیفش چیست؟ متأسفانه قوانین بازدارنده و قاطعی وجود ندارد.

خوش نیت تصریح کرد: برای جانمایی یک بالا بر در آرامگاه فردوسی شخصاً دو سال است با ویلچر دوندگی می کنم اما هیچ اتفاقی نیفتاده است. مگر اختصاص یک بالا بر چقدر اعتبار لازم دارد؟ در شان کلان شهری چون مشهد نیست که آرامگاه فردوسی به عنوان دومین جاذبه گردشگری شهر برای معلولان دسترس ناپذیر باشد.

مدیر اقامتگاه بوم گردی ریزه گل رادکان خراسان رضوی به عنوان اولین اقامتگاه مناسب سازی شده معلولان در کشور نیز در همین رابطه به خبرنگار ما گفت: در اغلب کشورهای تورهایی ویژه گردشگری برای معلولان در نظر گرفته شده اما در ایران متأسفانه چنین تورهایی یا نیست و یا بصورت حداقلی است. علاوه بر آن اقامتگاه های مناسب سازی شده و استاندارد نیز برای معلولان وجود ندارد. باید توجه داشت که صرفاً بحث تردد معلولان نیست بلکه معلولان نیازهای ثانویه ای نیز دارند که مستلزم مناسب سازی شدن است. وقتی از مناسب سازی سخن به میان می آید یعنی سرویس دستشویی یک اقامتگاه بایستی برای معلول مناسب سازی شود و سایر نیازهایی که از نگاه و منظر افراد سالم به دور است. به عبارتی مناسب سازی فقط محدود به رینگ گذاری آن هم در بخش های محدود اماکن و مقاصد گردشگری نیست بلکه اصلاح وضعیت



معلولان خراسان رضوی در گردشگری استان سهمی ندارند

احکام معلولین



- ۱- نقش بلوغ در رابطه با تکلیف شرعی افراد کم توان ذهنی چگونه است؟
 فاضل: در همه افراد از جمله افراد کم توان ذهنی سه شرط عمومی لازم است تا ملزم به تکالیف شرعی (واجبات و محرمات) بشوند: ۱- عقل ۲- بلوغ ۳- قدرت
- ۲- پا جوش‌های غده مانندی که در جاهای مختلف بدن است که گاهی از آن مایع قرمز رنگ خارج می شود پاک است؟
 بهجت: تشخیص این است که خون هست یا خود مکلف است و با علم به خون بودن از حیث نجاست اجتناب لازم است.
- ۳- اگر شخصی نتواند کف و یا پشت دست را بر زمین بگذارد، برای سجده وظیفه اش چیست؟
 همه مراجع: اگر گذاشتن کف و پشت دست ممکن نباشد باید مچ دست را بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند باید تا آرنج هر جا که می بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست گذاشتن بازو کافی است.
- ۴- آسیب دیده جسمی-حرکتی که اصلاً نمی تواند برای سجده خم شود، وظیفه اش در رابطه با سجده نماز چیست؟
 همه مراجع غیر از صافی گلپایگانی: باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند باید با چشم‌ها اشاره نماید و در هر آن است که اگر می تواند به قدری مهر را بلند کند که پیشانی را بر آن بگذارد و اگر با سر یا چشم‌ها هم نمی تواند اشاره، بنابر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره کند.
- ۵- سجده بر سیمان، موزائیک، آهک و گچ پخته چه حکمی دارد؟
 مکارم: سجده بر آنها جایز است.
- ۶- اگر فرد کم توان ذهنی در اثر ضعف هوشی و عقلی خود سهواً در نماز حرف بزند نمازش باطل می شود؟
 بهجت: خیر

همدردی اهالی بهشت کوچک فیاض بخش را پذیرا باشید ما در غم و اندوه شما شریکیم

حضور نیک اندیشان و نیکو کاران گرانقدر؛

جناب آقای مهندس رضا حمیدی ریاست محترم هیأت امنای آسایشگاه
جناب آقای مهندس سید مرتضی خیامی عضو محترم هیأت امنای آسایشگاه
جناب آقای احمد ابراهیمی عضو محترم هیأت امنای آسایشگاه و بازرس مؤسسه
جناب آقای مهندس علی بهزادیان عضو محترم هیأت مدیره آسایشگاه
جناب آقای رضا نیک باف عضو محترم هیأت امنای آسایشگاه

خاندان محترم معاون و امین التجاری

جناب آقای حاج سعید کریم نژاد

خانواده محترم فخاریان

خانواده محترم عابد اسکندری

جناب آقای دکتر سعید رسولی

خانواده محترم عربشاهی

خانواده محترم حسینی

جناب آقای دکتر رضا کارگران

خانواده محترم طلوع جوینده

خانواده محترم محمد قاسمی

جناب آقای سید علیرضا نجفی گل

سرکار خانم مینو فرشچیان

جناب آقای مهندس محمد حسینی

جناب آقای دکتر محمد ملازم قمی

جناب آقای علی قجری بردر

خانواده محترم کرباسی

سرکار خانم ناهید شاملو و جناب آقای مهندس فاضل



حضور همکاران گرامی؛

جناب آقای محمد رضا گریوانی

جناب آقای وحید فردوسی دباغ

سرکار خانم مریم مشهدی

جناب آقای مصطفی سرفرازی

جناب آقای امید استادی

جناب آقای محمد جواد احمدی

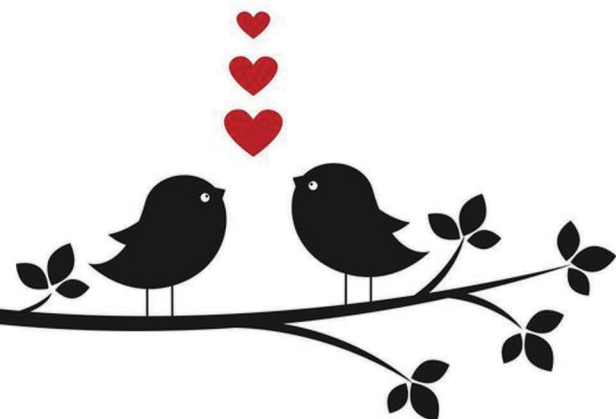
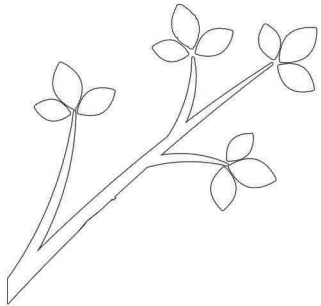
جناب آقای جعفر رضایی

جناب آقای مسعود نکاحی



حضور فرزندان عزیز این خانه

جناب آقای محمد کاظمیان





از دست فروشی تا جشنواره ونیز

گفتگو با روح الله زمانی استعداد نوظهور بازیگری

این بچه‌ها هستند که کشور را بالا می‌کشند البته اگر حمایت شوند. * قبل از اینکه در «خورشید» بازی کنی اصلاً به سینما رفته بودی؟ شناختی از سینما داشتی؟ یک بار از یکی از دوستانم پرسیدم داداش چه جوری می‌شود بازیگر شد؟ او به من گفت صد درصد باید پارتی داشته باشی! * یعنی قبل از اینکه آقای مجیدی به سراغت بیاید این رؤیا را داشتی؟ بله البته. نمی‌خواهم بی احترامی کنم، بدفهمی نشود، اما دوستم به من گفت حتماً باید پارتی داشته باشی، چون هیچکس حمایت نمی‌کند، واقعاً هم به نظرم همینطور است به نظرم باید پارتی داشته باشی و البته تو کلت هم به خدا باشد تا بتوانی بازیگر شوی. * سینماچی؟ رفته بودی؟ نه اصلاً نرفته بودم. * چرا؟ اصلاً وقتی سر در سینما را می‌دیدم ناراحت می‌شدم که من نمی‌توانم بازیگر شوم. پدر و مادرم «خورشید» را دیدند، مادرم خوشحال شد و گریه کرد. دایم هم گریه کرد. همه خوشحال بودند. خودم هم کیف می‌کردم که توانستم اعتماد پدر و مادرم را جلب کنم تا آن‌ها بفهمند که من هم می‌توانم به جایی برسم. به من افتخار کنند که توانستم در سینما جایی برای خودم دست و پا کنم. * یعنی همیشه دوست داشتی بازیگر شوی؟ بله همیشه. فکر می‌کنم بازیگری چیزی است که در خون من وجود دارد. اصلاً این چیزها باید در خون آدم باشد فکر می‌کنم ربطی به علاقه ندارد. * بعد از اینکه «خورشید» در جشنواره فیلم فجر اکران شد دوستانت چه می‌گفتند؟ خودم خیلی خوشحال و هیجان زده شدم از آقای مجیدی تشکر کردم. از این بیشتر خوشحال شدم که مردم می‌توانند مشکلات بچه‌های کار را ببینند. آقای مجیدی خودش هم شخصیت بزرگی دارد این را تنها از لحاظ کارگردانی نمی‌گویم. دلش بزرگ است، مهربان است، مرد خوبی است، کارگردانی است که دل و جانش را برای فیلم می‌گذارد. خوشحال‌تر شدم که مردم می‌توانند چنین فیلمی را ببینند و نظرشان درباره کودک کار عوض شود. این فیلم می‌تواند دلبلی باشد تا مردم از ما حمایت کنند. * نه منظورم این بود که واکنش دوستانت نسبت به حضور تو در این فیلم چه بود؟ نه چیزی به من نمی‌گفتند. چون آن‌ها هم خیلی سینما نمی‌روند. اصلاً فیلم «خورشید» را آن زمان ندیده بودند. * پدر و مادرت چی؟ پدر و مادرم دیدند، مادرم خوشحال شد و گریه کرد. دایم هم گریه کرد. همه خوشحال بودند. خودم هم کیف می‌کردم که توانستم اعتماد پدر و مادرم را جلب کنم تا آن‌ها بفهمند که من هم می‌توانم به جایی برسم. به من افتخار کنند که توانستم در سینما جایی برای خودم دست و پا کنند. * درباره آن لحظه ایگو که آمدی و به مادرت گفتی من در تست بازیگری قبول شدم. مادرم باور نمی‌کرد، خودم هم باور نمی‌کردم، چون بیشتر از ۶۰۰ نفر در حیاط مدرسه برای تست صنف کشیده بودند. وقتی یکبار به

به گزارش شهر آرایوز - روح‌الله زمانی تا همین یک سال پیش «بازیگر» نبود، اما در هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم ونیز، جایزه مارچلو ماسترویانی را به‌عنوان یکی از استعدادهای نوظهور عرصه بازیگری دنیا دریافت کرد. کودک کاری که پیش از نقش آفرینی در فیلم سینمایی «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی در مترو دست‌فروشی می‌کرد. هنوز لحن «دانش مشت» دارد، در حین گفتگو بارها مرا «آقا» خطاب و بلافاصله عذرخواهی می‌کند، بیشتر دلی صحبت می‌کند و جملاتش منقطع و کوتاه است. البته هیجان جایزه هنوز در کلامش مشهود است. جایزه معتبری که مهر تأییدی بر استعدادش در بازیگری آن هم در اولین گام ورودش به سینما محسوب می‌شود. در ادامه اولین گفتگوی روح‌الله زمانی با بازیگر نوجوان فیلم «خورشید» پس از دریافت جایزه را می‌خوانید: * از اینکه حالا یک جایزه مهم جهانی برای بازیگری داری، چه حسی داری؟ «فان مع العسر یسر» بعد از هر سختی، آسانی است. آقای مجیدی برای بازی من در این فیلم خیلی تلاش کرد. خودم هم تلاش زیادی کردم. من این جایزه را به همه عوامل فیلم تقدیم می‌کنم و خیلی خوشحال هستم که خدا این توفیق و این شانس را به من داد که این جایزه برای من باشد. * مدرسه‌ای که می‌رفتی یک مدرسه عادی بود یا مدرسه کودکان؟ مدرسه عادی بود. در این مدرسه همه جور دانش‌آموزی وجود دارد. مدرسه من در پریانک است. من خودم بچه شری بودم. ولی ان‌شاءالله که درست بشوم! البته قدر این موقعیت را می‌دانم. رفیق‌های خودم با معرفت و با مرام بودند. دم آقای مجیدی گرم، چون کاری می‌کند که مردم بچه‌های کار را درک کنند البته به خود مردم بستگی دارد که این بچه‌ها را درک کنند. ما بچه‌های کار بودیم که خرج زندگی خودمان را در می‌آوردیم. اگر همین بچه‌ها حمایت نشوند خلافکار می‌شوند و به راه‌های بد کشیده می‌شوند. * در آن مدرسه‌ای که درس می‌خوانی به جز تو دوستان دیگری هم کار می‌کردند؟ دوستان دیگرم دست‌فروشی نمی‌کردند، اما کارهای دیگری مثل مکانیکی انجام می‌دادند، یا باربری برای مغازه‌های مولوی می‌کردند. با بعضی از دوستانم شب عید ماهی و ترکه می‌فروختیم. دوستان دیگرم هنوز کار می‌کنند. * ولی کار کردن برای تو و دوستانت زود است. بله زود است. اما کار کردن چیز بدی نیست با این حال فکر می‌کنم من و دوستانم باید درسمان را بخوانیم تا فردا بتوانیم برای کشور خودمان چیز مفیدی شویم. به خدا به همین فکر می‌کنم. همه باید مثل برادر و خواهر برای هم باشند، اما انگار در این دنیا هیچکس به آن یکی رحم نمی‌کند گاهی فکر می‌کنم چرا یکی باید آبروی دیگری را بریزد یا چرا باید از پشت خنجر بزند؟ والا نمی‌دانم این کارها برای چیست! همه باید دست‌به‌دست هم بدهند این بچه‌های کار را حمایت کنند همین بچه‌های کار می‌توانند برای آینده کشور مفید باشند

به خاطر همین سراغ دست‌فروشی و کار کردن نمی‌روم. شرایطمان بعد فیلم تغییر کرده است. بیشتر درس می‌خوانم و البته آقای مجیدی هم تا حدودی کمکمان می‌کند.

اگر الان کارگردانی به تو پیشنهاد بدهد قبول می‌کنی بازی کنی؟ چون خودم سر در نمی‌آورم بارهنمایی‌های آقای مجیدی، آقای بنان و آقای بهمنش قبول می‌کنم. * در نهایت اگر دوست داری چیزی بگویی بگو؟ نه ممنونم آقا، نه یعنی ببخشید خانم (می‌خندد). فقط می‌خواستم از آقای مجیدی تشکر کنم. او دل و جانش، دار و ندارش و همه چیزش را برای یک فیلم می‌گذارد. من دیدم که آقای مجیدی برای این فیلم چقدر تلاش کردند. به‌خدا خیلی تلاش کردند. آقای عسکری و آقای بابک لطفی خیلی به ما کمک کردند. از همه مهم‌تر آقای هومن بهمنش که به ما خیلی لطف داشتند الان هم من را حمایت می‌کنند. از تمام عوامل این فیلم تشکر می‌کنم.

امادم گفتم از بین آن همه آدم من قبول شدم باورش نمی‌شد. من به کارهای خدا ایمان دارم. نمی‌دانم چطور بگویم خیلی خوشحال شدم. اصلاً شما بودید چه حسی پیدا می‌کردید؟ * اگر من هم بودم مثل تو باورم نمی‌شد. این روزها با هم کار می‌کنی؟ نه. وقتم را صرف کتاب خواندن می‌کنم. مثلاً فیلم می‌بینم. فیلم‌های خود آقای مجیدی را هم می‌بینم. می‌روم از انقلاب کتاب‌های لهجه صورت می‌خرم. * تو قبل از «خورشید» کار می‌کردی، حالا که دیگر در خیابان کار نمی‌کنی به لحاظ مالی مشکلی نداری؟ هر بچه‌ای که کار می‌کند صد در صد به پولش احتیاج دارد. چون کسی از این بچه‌ها حمایت نمی‌کند. آقای مجیدی من را حمایت کرد که آدم‌ها را بشناسم تا اگر فیلمی چیزی بود بتوانم از عهده‌اش بر بیایم. من هم سعی می‌کنم بیشتر کتاب بخوانم، طرز صحبت کردنم را تغییر بدهم تا بتوانم در فیلم‌های دیگر حضور پیدا کنم. ایمان دارم به خودم که می‌توانم.

خراسان روزنامه صبح ایران

جوان ایرانی در بین ۱۰ فرد تاثیرگذار جهان در سال ۲۰۲۰

وحید رجبلو، نابغه معلول ایرانی در گفت‌وگو با خراسان از جزئیات انتخاب شدنش می‌گوید

فردی تاثیرگذار قبول دارند؟ خوشبختانه هم وطنان در این رای گیری به من رای بالایی دادند. رجبلو تصریح کرد: نمی‌دانم شرایط و محدودیت‌هایم در انتخاب شدنم تاثیر داشته است یا نه. اما من مثل یک آدم عادی ساعت‌ها کار می‌کنم و از سلامتی‌ام گذشته‌ام، چون خیلی از امکاناتی که برای سلامتی نیاز دارم اصلاً وجود ندارد. مثلاً من روزانه به فیزیوتراپی نیاز دارم اما هفته‌ای یک بار این کار را انجام می‌دهم. این‌ها نشان می‌دهد که حتی در نظر گرفتن محدودیت‌هایم برای انتخاب فرد تاثیرگذار در جهان آن چنان دور از عدالت نیست. وی در پایان افزود: هر چند که داخل ایران مسئولی را ندیدم که بعد از این رویداد از من تقدیری کند یا حتی احوال‌م را بپرسد اما قرار است طی جشنی که به زودی در کنگره جهانی اتاق بین‌المللی جوانان برگزار می‌شود، جوایزی را به ما اهدا کنند.

گفت‌وگوی کوتاهی داشته باشیم. وحید رجبلو به خراسان درباره جایگاه سازمان غیرانتفاعی اتاق بین‌المللی جوانان می‌گوید: اتاق بین‌المللی جوانان جهان یک نهاد مردمی است که از حدود ۱۰ سال پیش فعالیت می‌کند و حدود ۱۲۵ کشور جهان هم عضو هستند. کشورمان برای اولین بار است که برگزیده‌ای در این نهاد دارد. او درباره نحوه شرکت در این رقابت گفت: بهار ۹۹ در جای دیدم که می‌توانم در این رویداد شرکت کنم. رزومه فرستادم و در چند آزمون شرکت کردم. به جز من جوانان دیگری هم معرفی شدند. از بین ایرانی‌ها و کسانی که از سطح جهان وارد رقابت شدند من اول وارد مرحله ۲۰ جوان برتر و بعد وارد ۱۰ نفر نهایی شدم. وی افزود: برای انتخاب افراد تاثیرگذار در جهان معیارهای مختلفی وجود داشته و یکی از این معیارها آرای مردمی بوده است. به این شکل که آرای مردم آن کشور فرد مدنظر را به عنوان

مصطفی میر جانین - وحید رجبلو، به عنوان یکی از ۱۰ جوان ممتاز جهان برگزیده شد. سازمان غیرانتفاعی اتاق بین‌المللی جوانان، اسامی ۱۰ جوان ممتاز جهان در سال ۲۰۲۰ را اعلام کرد و امسال نام وحید رجبلو، مدیرعامل استارت‌آپ توانیتونیز در میان این اسامی دیده می‌شود. این سازمان هر سال ۱۰ مدیر جوان برتر را که کمتر از ۴۰ سال دارند، از میان ۱۴۰ کشور دنیا انتخاب می‌کند. این جوانان در واقع نمادی از ماوریت سازمان اتاق بین‌المللی جوانان هستند و در زمینه‌های رشد فردی، کسب و کار، کارآفرینی و مشارکت‌های بین‌المللی دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند. وحید رجبلو، کارآفرین معلول کشورمان، در کودکی دچار آتروفی عضلانی نخاعی می‌شود، بیماری که روزی‌به‌روز جسم او را تحلیل می‌برد اما معلولیت و تمام مشکلاتی که این نابغه ایرانی با آن‌ها روبه‌رو بود، برایش انگیزه‌ای می‌شود که به دنبال راهکاری برای توانمندسازی افراد معلول باشد تا زندگی راحت‌تری داشته باشند. او با در نظر داشتن همین هدف، استارت‌آپ «توانیتونیز» را راه‌اندازی کرد که روی سه حوزه کلیدی تمرکز دارد: سلامت و خدمات درمانی، خدمات آموزشی و سرویس‌های ضروری روزانه. هم‌اکنون ۱۴ هزار نفر در ایران از پلتفرم توانیتونیز استفاده می‌کنند. وحید رجبلو حضور فعالی نیز در جامعه دارد و رقابت‌هایی برای ویلچررانی برگزار می‌کند، در رویدادهایی نظیر تدکس سخنرانی می‌کند و طرح‌های جمع‌سپاری مختلف را برای فراهم کردن فناوری و توانمندسازی معلولان کلیدی می‌زند.



از ای مردمی یکی از معیارهای این افتخار است
این که این انتخاب بر اساس چه معیارهایی بوده است، پنهان شد تا با این جوان ایرانی



کمک ۲۰ میلیاردی برای تسهیل رفت‌وآمد معلولان
رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر مشهد گفت: در گذشته بخشی از جامعه معلولان از بارانه برداشتی شهرداری در حوزه حمل‌ونقل عمومی بی‌بهره بودند و ما مشروبات صحتی که جبران کنیم. ۲۰ میلیارد تومان است. تأسیس حضور پیدا کرده بود به بیان تحول‌گشایی که به مناسبت ۲۰ میلیون شهروندان خراسان رضوی حضور پیدا کرده بود به بیان اینکه کانون ناشنوایان از زمان تأسیس کانون زحمات بسیاری برای جامعه هدف خود کشیدیم و بخش‌های از مسئولیت‌های خود را برنام‌ریزی‌هایی را از ابتدای فعالیت خود تاکنون سعی کرده‌ایم داشته‌ایم. وی افزود: عمده این حمایت‌ها در حوزه حمل‌ونقل عمومی است. معلولان از بارانه برداشتی شهرداری در این حوزه بی‌بهره بوده‌اند. سعی کردیم این بارانه برداشتی را به نفع دیگری برداشت کنیم. تسهیل رفت‌وآمد معلولان
رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر مشهد گفت: در گذشته بخشی از جامعه معلولان از بارانه برداشتی شهرداری در این حوزه بی‌بهره بودند و ما مشروبات صحتی که جبران کنیم. ۲۰ میلیارد تومان است. تأسیس حضور پیدا کرده بود به بیان تحول‌گشایی که به مناسبت ۲۰ میلیون شهروندان خراسان رضوی حضور پیدا کرده بود به بیان اینکه کانون ناشنوایان از زمان تأسیس کانون زحمات بسیاری برای جامعه هدف خود کشیدیم و بخش‌های از مسئولیت‌های خود را برنام‌ریزی‌هایی را از ابتدای فعالیت خود تاکنون سعی کرده‌ایم داشته‌ایم. وی افزود: عمده این حمایت‌ها در حوزه حمل‌ونقل عمومی است. معلولان از بارانه برداشتی شهرداری در این حوزه بی‌بهره بوده‌اند. سعی کردیم این بارانه برداشتی را به نفع دیگری برداشت کنیم.

۶ سفر رایگان برای هر فرد با معلولیت شدید و خیلی شدید در هر ماه
سفر رایگان برای هر فرد با معلولیت شدید و خیلی شدید در هر ماه
با رای اعضای شورای شهر مصوبه ۶۰ سفر رایگان برای هر فرد با معلولیت شدید و خیلی شدید در هر ماه به شهید.



نوشیدنی مقوی پاییزی

کدو تنبل یا همان کدو حلوائی و هویج دو ماده غذایی سرشار از ویتامین ها، مواد معدنی و آنتی اکسیدانها است که به تقویت سیستم ایمنی بدن و پیشگیری از پیری زود هنگام کمک می کند. یک هویج و یک برش بزرگ کدو حلوائی را به خوبی شسته و پوست بگیرد. سپس آن ها را با کمی آب داخل مخلوط کن بریزد. هر روز یک لیوان از این نوشیدنی مفید و تقویت کننده استفاده کنید. نوشیدنی ها مطابق با فصل تغییر می کند و دلیل آن هم بیشتر حفظ سلامتی است. زیرا باید مطابق با هر فصل نوشیدنی تان را انتخاب کنید.

ذوب شدن یخ های قطب شمال تا ۲۵ سال دیگر



به گزارش بی سابقه داستانه با ماهواره هفت و سهت از چهار میلیون کیلومتر مربع رسیده است. یا کل می گویند: این کمترین وسعت یخی است که طی این سالها داشته ایم، نه فقط از زمان نظارت ماهواره ای بلکه احتمالاً در یک میلیون سال گذشته. یا کل طی پانزده سال گذشته ذوب تابستانی یخ های قطب شمال را به دقت بررسی کرده و نشان داده است در پی گرمای زمین یخ های قطب شمال به طور مستمر در حال ذوب شدن هستند. وی افزود: بر اساس الگوهای مشاهده شده ما ذوب وسیع امسال می تواند آغاز روند ترسناکی باشد. این محققان از فناوری ماهواره برای بررسی ویژگی های فیزیکی یخ های قطب شمال استفاده می کنند. تا همین دهه هزار و نهصد و هشتاد، اغلب یخ اقیانوس منجمد شمالی، یخ چندین ساله بود یعنی یخ ضخیمی که در تابستان اصلاً آب نمی شد. در آن زمان نسبت یخ چندین لایه به یخ فصلی، یخی که احتمالاً در تابستان آب می شد، حدود هشتاد درصد به بیست درصد بود. یا کل که معتقد است طی بیست سال گذشته به جایی رسیده ایم که این نسبت معکوس شده پیش بینی کرد وسعت یخی که اقیانوس منجمد شمالی را پوشانده است احتمالاً طی تابستانها در ۲۰ تا ۲۵ سال آینده از بین خواهد رفت. از بین رفتن این پوشش یخی عواقب جدی برای سیاره زمین دارد. یخ قطب شمال به عنوان یک منعکس کننده نور خورشید عمل می کند و موجب تنظیم دمای زمین و اقلیم می شود. زمانی که دیگر این یخ زیر آسمان نباشد و فقط آب، در اقیانوسها دیده شود، زمانی است که رطوبت بیشتری از سطح اقیانوسها به جو می رود و بخار آب در اتمسفر توفانهای خشن را شکل می دهد. به گفته یا کل همانطور که قطب شمال و کل زمین به روند گرم شدن خود ادامه می دهند باید افزایش و شدت توفانها را برای اغلب مناطق پر جمعیت جهان انتظار داشته باشیم.

پوزشی

به دلیل تایپ و نگارش اشتباه در بعضی از سطور سروده
عذر تاخیر مربوط به نشریه شوق حضور شماره قبل، مجدداً آن را به چاپ رسانده ایم

آسمان همدلی را اختصری
مهربانان، غم گساران عزیز
نیک نامان سرراپا افتخار
شهد خدمت کرده شیرین کافران
خواننده شعر عشق از دیوان ما
درس غم از دل زدودن، داده آید
پایداری را به ما آموختید
ارتقاء ما، شده آهنگ ما
چشمه آینه را جوشیده ایم
وانهاد جوی را بر شط زدیم
یا نشد از شوق، این پندار دور
تا که بر بندیم از گفتار لب
با همه آزادگی، مهچور کرد
همچنان سبز است ما را بوستان
می شود کوشنده، آخر رستگار
با عطایای شما آسوده ایم
این بلاها موجب تاخیر شد
همچنان عرض ارادت در سطور
ما توان خواهیم و تو باشی توان

باز از مهر و ارادت دفتری
باز ما و یسار عزیز
تکیه گاهان سترگ و پایدار
ثبت دیوان سخاوت نامتوان
چلچراغ خانه و ایوان ما
چون معلم، درس بودن داده آید
گر چه گاهی در غم ما سوختید
پاک شد معلول از فرهنگ ما
ما توان خواهان به جان کوشیده ایم
ما تکیه را ز دفتر خط زدیم
گر چه شد تاخیر در شوق حضور
گشت این بیماری مصری سبب
فاصله ما و شما را دور کرد
عذر خواهیم ای گرامی دوستان
گر بیازد تیر و روید گر که خار
ما ز چهره، گرد غم بزدوده ایم
اندکی از این ارادت دیر شد
می شود تقدیم تان شوق حضور
ما همانیم و تو هم باشی همان



افقی:

- ۱- دو نمونه از کارگاه‌های فعال در آسایشگاه شهید فیاض بخش
- ۲- همراه عروس، مهد دلیران
- ۳- عزیز تابستان؛ عضو عمده؛ پشیمانی؛ شجاعت
- ۴- شهر سیستان و بلوچستان؛ نوعی شیمی؛ یک سبک از موسیقی عامه پسند
- ۵- دروغین؛ واحد تنیس؛ سخن بیهوده؛ ادویه غذای هندی
- ۶- ساز چوپان؛ غذای نذری؛ کهن ترین شهر جهان؛ تلخ؛ دریا
- ۷- سخت؛ بزرگ
- ۸- کشنده بی صدا؛ موی صورت مرد؛ از مزه‌ها؛ خون
- ۹- مقامات عالی رتبه هر کشور؛ ستاره
- ۱۰- تکیه دادن؛ حیوان دانا؛ پرستار؛ سست و بی حال؛ من+شما
- ۱۱- نام کوچک گل محمدی مربی موفق پرسپولیس تهران؛ شراب؛ مادر؛ تجمع عفونت و چرک درون دهان
- ۱۲- عقاب سیاه؛ یکی از مهم ترین و زیباترین آثار باستانی که در حدود ۵ کیلومتری تخت جمشید قرار دارد؛ اشاره به نزدیک
- ۱۳- زائو ترسان؛ درخت لرزان؛ وفات یافتن و در گذشتن؛ علامت مفعولی بی واسطه
- ۱۴- طبیعی و نرمال؛ سرپوش زنانه
- ۱۵- آنچه که به عنوان هدیه و یاد بود به کسی دهند؛ کشورلوییز سوارز مهاجم سابق بارسلونا

عمودی

- ۱- مجری توانمند عصر جدید؛ آقای گل فوتبال جهان
- ۲- تهی؛ ناممکن
- ۳- دوستی و محبت؛ طن؛ خورشید تازی؛ پهلوان؛ چوب خوشبو
- ۴- پرنده آش سردکن؛ خاطر؛ خدای من؛ ورق
- ۵- ابزار تیراندازی باستانی؛ شهر شعر و ادب؛ از نام‌های مردانه به معنی عادل و دادگر
- ۶- دیدنی در ارتش؛ شریعت؛ اندازه
- ۷- نام ترکی؛ آذر؛ سلاح دفاعی زنبور؛ شلوار جین
- ۸- همه؛ قوزه پنبه؛ بوی؛ بی پرده و صریح
- ۹- حرف انتخاب؛ شهر نیما؛ حشره ای از راسته‌ی خانواده بستر سانان؛ حرف نشانه مفعول
- ۱۰- پایتخت موسیقی دنیا؛ ضربه محکم پا به توپ؛ به کسی که او را از خرما توشه داده باشند
- ۱۱- پوشش و نشر؛ آهو؛ مرسوم نیست
- ۱۲- اختیار کامل؛ بخشش؛ شیوا؛ گونه‌ای از پستانداران گوشت خوارسان متعلق به خانواده سگ سانان
- ۱۳- پول سرزمین آفتاب تابان؛ ستون بدن؛ پروردگار؛ آش؛ شمای فرنگی
- ۱۴- مرکز استان مازندران؛ راه
- ۱۵- طیاره؛ اثر فاخر و بزرگ فردوسی طوسی

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵

شادی و اندوه خود را به نیکوکاری پیوند بزنید

گل های باصفای این خانه، تاج گل می شوند تا در شادی و اندوه همراه شما شوند



شما دوست مهربان می توانید
 با سفارش تابلو یا استند تبریک،
 لحظات شاد و خوب زندگی عزیزان
 و دوستان را شادباش بگویید و آن را
 به درمان و بهبود زندگی ۵۵۰۰ فرزند دارای معلولیت
 پیوند بزنید و شادی واقعی را به خود هدیه دهید



در روزهایی که باید فاصله گذاری اجتماعی
 را رعایت کنیم و همچنین در آینده
 که امیدواریم سلامتی به تمام دنیا برگردد،
 پیام همدلی روش بسیار خوبی است
 که بدون محدودیت زمان و مکان می توانید
 در شادی و غم آنهایی که دوستان دارند سهیم شوید و چه بهتر
 که این همدلی را به کار نیک پیوند بزنید.
 این پیام با امضای شما از طرف بهشت کوچک فیاض بخش
 ارسال خواهد شد



دوست عزیز
 با سفارش لوح و یا استند تسلیت
 و ارسال آن به منزل، مساجد و مراسم ترحیم، می توانید
 همدلی و ابراز همدردی با عزیزانتان را به حس خوب
 کمک به هممنوع پیوند بزنید



هماهنگی جهت نمادهای فیاض بخش
 ۰۵۱۳۶۶۶۰۰۰ / ۰۹۰۱۸۰۴۵۸۴۸

دستانتان در دست ماست حتی اگر کنارمان نباشید

کارت ملت	۶۱۰۴۳۳۷۷۰۰۷۹۲۰۸
کارت ملی	۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۱۰۳۹۱
ملی سیبا	۰۱۰۲۴۵۲۹۶۷۰۰۷
ملت جام	۳۳۰۰۰۳۵۰/۷۰
سامانه همیاری	#۵۱۱۶۶۶۶*۷۸۰
مشارکت آنلاین	www.Fbrc.ir

۸۰ دستگاہ	پنکه دیواری	۱۰۰۰ متر	شمع بیمارستانی	۲۲۰ قوطی	سرلاک
۵ بسته	چسب بخیه	۲۰۰ دست	البسه و کفش مردانه	۲۷۰۰ کیلو	برنج
۱۵ بسته ماهانه	چسب آئز یوکت	۱۳۰ دست	البسه و کفش زنانه	۴۵۰ قوطی	رب
۸ رول	چسب مشبک جهت زخم بستر	۲۰۰ دست	لباس بچه	۶۰۰ کیلو	روغن
۲۲۰ لیتر	شامپو بچه	۳۰۰ بسته	پوشک ایزی لایف	۱۰۰ کیلو	چای
۵۰ لیتر	شامپو بزرگسال	۵۲۰ عدد	دمپایی (مردانه، زنانه، بچگانه)	۸۵۰ کیلو	مرغ
۷۰ رول ماهانه	سفره یک بار مصرف	۲۵ دست	بلوز ورزشی	۳۵۰۰ کیلو	گوشت قرمز
۱۰۰ عدد	حواله دستی	۵۵۰ متر	پارچه تریکو	۲۵۰ کیلو	گوشت ماهی
۵۰۰ عدد	حواله حمام	از هر کدام ۵۲۰ عدد	تی شرت و شلوار	۸۵۰ کیلو	قند
۳۰۰ لیتر	مایع ظرفشویی	۲ رول	پارچه پرزنت	۲۵۰ کیلو	شکر
۵۰۰ عدد	صابون حمام	۵ دستگاہ	کامپیوتر	۴۵۰ کیلو	حبوبات
۱۰۰۰ متر	پارچه متقال	۳۱۰ عدد	کمد کنار تخت	۸۰۰ کیلو	انواع سبزیجات
۶۰۰ متر	پارچه ملحفه سفید	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	رنگ آمیزی سالن‌ها	۲۵۰ کیلو	پنیر
۴ کیلو	خاکشیر	۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	بازسازی تاسیسات	۳۰۰۰ عدد	شیر پاکتی
۳۰ کیلو	روغن زیتون	۳ عدد	پالس اوکسیمتر-مارک Burrer	۳۰۰۰ عدد	کره ۱۵ گرمی
	انواع میوه	۳۵ کیلو	گاز جهت پانسمان	۳۰ عدد	روغن زیتون
۳۰۰ عدد	قاشق کوچک	۳۰۰ عدد	تشک بیمارستانی	۱۵۰۰ کیلو	ماست تازه
۳۰۰ عدد	سرشیر و شیر خشک	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	لوازم پزشکی	۴۲۰ کیلو	ماست چکیده
۳۰۰۰ عدد	حلوایکنفره	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	دارو	۴۵۰ کیلو	تخم مرغ
۱۰۰۰ بسته	دستکش یکبار مصرف	۴۵ عدد	مت متخلخل حمام	۲۵ کیلو	عسل
۱۵۰ بسته در ماه	دستکش لاستیکی	۵ دستگاہ	ویلچر ورزشی	۶۰۰ کیلو	پیاز
۱۵۰ بسته ماهانه	ماسک	۲۰ دستگاہ	کولر گازی	۳۰۰ کیلو	ماکارونی
		۱۰۰۰ کیلو	سیب زمینی	۲۴ کیلو	ادویه جات
		۲۰ کیلو	آلوبخارا	۲۱۰ کیلو	خرما



دار لرعاية المعاقين شهيد فياض بخش (عبدا... هنرى) مشهد في لمحطة
قطعة أرض من مدينة الجنة، في بلد إيران، أرض الشمس هي مأمّن و بيت دافى للملائكة ارضية و بغير مأمّن. املمهم بعدا... و امام الرثوف، امام
الرضاع) يكون محسنين و حبههم و حنانهم مشمول ٥٥٠ معاق في هذه المعهد.
١- تأسست هذه المؤسسة الخيرية في عام: ١٣٥٠
٢- عدد المعوقين: ٥٥٠ معاق الجسديا و خدمة شهرية لـ ١٢٠٠ معاق خارج من هذه المؤسسة
٣- الجنس: للرجال و للنساء
٤- العمر: من الرضيع الى المسنين
٥- الخدمات التي تقدمها هذه المؤسسة الخيرية: الخدمات الطبية / الخدمات النفسية / الخدمات الاجتماعية / الخدمات التربوية / الخدمات العلاج
بالعمل / الخدمات العلاج الطبيعي / الخدمات التعليمي (من مرحلة الابتدائية الى الجامعية)
٦- العاملون: المدير العام / ناظر / طبيبة / رئيس ممرضات / ممرضة مسئولة / مدرسات / أخصائية نفسية / أخصائية اجتماعية / أخصائية العلاج
الطبيعي / أخصائية العلاج بالعمل / أخصائية العلاج بالنطق / أخصائية تغذية / محاسب عمال التنظيف / عمال الغسيل / فنيون / الطباخون
٧- نوع الادارة المعهد و التمويل و المصروفات : مجلس الأمناء و بمساعدة الناس
٨- المصاريف الشهرية للمؤسسة: ٤ مليارات تومان
٩- تكاليف الصيانة الشهرية لكل معوق: ٤ ملايين تومان
١٠- النشاط التطوعى و المتطوعون:
الف: النشاط الطبي / ب: النشاط التعليمي / ج: النشاط الاجتماعي / د: النشاط الترفيهي / ه: النشاط الرياضية / و: النشاط الثقافية / ز: النشاط الدينية
وفي الختام: نظرا لحقيقة أن بناء هذه المؤسسة مستهلك، فأننا نعيد بناء المبنى و نحتاج الى مساعدة اهل الخير
رقم حساب المصرفية: ٣٣٠٠٠٣٥٠/٧٠ رقم البطاقة المصرفية: ٦١٠٤٣٣٧٧٧٠٠٧٩٢٠٨
عنوان: مشهد المقدسة، ساحة شهيد فهميدة، دار لرعاية المعاقين شهيد فياض بخش (عبدا... هنرى)
الهواتف: + ٩٨٥١٣٦٥٨٢١٨٤



الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالكَاطِمِينَ
الغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

سوره آل عمران آيه ١٣٤

Fayyazbakhsh Charity

Showghe Hozour

Internal Newsletter- 85 Nom



*God, We have everything we have thanks
to you and the kindness of your friends*

The life story of all those who have entered this resort has a common idea, called altruism. More than fifty years ago, Dr. Mohammad Aristoopour and Abdullah Honari and their friends established this shelter. The tale was about giving shelter to the derelicts; reaching that purpose needed a peerless idea and strong will. Then, they thought to provide a better life for the disabled. Arastoopour and Honari constructed a building, including some dormitories and a tiny administrative department. While in 1972, the building was opening, Honari had passed away.

Activities, services, and a short report:

- * the management system is based on a board of trustees;
- * Donations and peoples' aid provide budgets and expenses;
- * Monthly expenses of about 150,000 dollars.
- * As the construction is old, rebuilding is on going;

1. 24-hour services for more than 500 disabled;
2. daily service for 1200 disabled who don't live in the center;
 - a. including men and women: both infant and elder;
3. rehabilitation:
 - a. physiotherapy;
 - b. occupational therapy,
 - c. speech therapy,
 - d. psychology,
 - e. hydrotherapy;
4. educational;
5. arts and cultural activities;
6. dental services;
7. skill training;
8. sports activities;



فرا دما

استریلیزه و هموژنیزه
با ماندگاری طولانی

۱۰۰ میلی لیتر

عالمی بیبا

شیر کاکائو

فرا دما

استریلیزه و هموژنیزه
با ماندگاری طولانی

۱۰۰ میلی لیتر

عالمی بیبا

شیر موز

مجموعه لوازم خانگی آهویی



فرش مشهد

نماینده گی آهویی (بلوار توس) - ۰۵۱ ۳۶۶۵۸۵۷۸۱ - ۰۹۱۵۹۱۰۳۶۸۶
فروش فرش مشهد
فروشگاه فرش مشهد
فروشگاه فرش مشهد

۰۵۱۳۶۶۵۰۲۰۵ - ۰۹۱۵۹۱۰۳۶۸۶
۰۵۱ ۳۶۵۸۵۲۸۲ - ۰۵۱۳۶۵۸۵۷۸۱

مشهد / بلوار توس / نبش توس ۸۵



آرامش و شادابی هدیه ما به شماست





فروشگاه و نمایشگاه وثوقی

مرجع تخصصی مشاوره و فروش

- ✓ شیرآلات
- ✓ تجهیزات آشپزخانه
- ✓ سرویس های بهداشتی
- ✓ کالای تاسیساتی ساختمان



جهت دریافت اطلاعات بیشتر
بارکد را اسکن نمایید



مجموعه ای از برترین برندهای صنعت ساختمان